

منابع تاریخ امر بهائی

دکتر نصرت الله محمدحسینی

به هنگام بررسی منابع تاریخ امر بهائی، آنچه در وهله اول نظر محقق را جلب می‌کند وسعت و کثرت این منابع است، و از این نظر دیانت بهائی با هیچ یک از ادیان دیگر قابل مقایسه نیست. منابع تاریخ امر بهائی را به طور کلی می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: منابع بهائی و منابع غیربهائی. در زیر به اجمال به بررسی این منابع مبادرت می‌شود.

نخست- منابع بهائی

منابع امری حاوی آثار مبارکه، طلعات مقدسه، بهائیه و کتب تاریخیه‌ایست که از مؤمنین به امر ابهی^۱ به یادگار مانده است. بدیهی است که آثار نویسندگان بابی که پیش از اظهار امر حضرت بهاء الله صعود نموده یا شهید گشته و هرگز با جمال اقدس ابهی^۲ مخالفت نورزیده‌اند نیز از منابع امری محسوب می‌شوند.

الف- آثار حضرت باب: برخی از آثار حضرت باب حاوی اطلاعات تاریخی در خصوص امر بدیع است. از جمله در بیان فارسی به سفر حج، ایام اصفهان، سجن ماکو، جناب قدوس، جناب باب، جناب گندم پاک‌کن و پاره‌ای از حوادث و اشخاص دیگر اشارت رفته است. در کتاب دلائل سبعه به جناب باب الباب و تنی چند از دیگر رجال بابیه اشاره فرموده‌اند. در توقیع مبارک خطاب به محمد شاه و نازل در ماکو اطلاعاتی در خصوص منوچهرخان معتمدالدوله موجود است. در صحیفه بین الحرمین داستان مباحله حضرتشان با میرزا محیط کرمانی آمده است. در صحیفه رضویه اطلاعات دقیقه در خصوص سفر حج و مشخصات آثار مسروقه حضرتشان در آن سفر موجود است.

ب- آثار جمال ابهی^۳: در آثار متعدده از جمال ابهی^۴ نیز وقایع حیات حضرت باب و اصحاب و نفس مقدس جمال ابهی^۵ و اهل بهاء آمده است. کتاب بدیع گنجینه، بی‌ظیری در خصوص حوادث

مربوط به حیات حضرت باب و اصحاب آن حضرت و نیز حیات مبارک شخص حضرت بهاء‌الله است. در کتاب ایقان به حوادث عهد اعلیٰ و نیز آیام بغداد و هجرت سلیمانیّه اشارات متعدده است. لوح شیخ حاوی دهها نکته، تاریخی در خصوص امر بدیع است. در سورة الصبر به داستان جانبازی وحید و اصحاب نیریز اشارت است.

پ- آثار حضرت عبداله‌بهاء: در آثار حضرت عبداله‌بهاء وقایع مربوط به تاریخ امر به تفصیل بیشتر آمده است. مقاله، شخصی سیاح^۱ در اوقاتی از قلم مبارک صادر گشته است که دشمنان امر اتهامات ناروایی بر حضرت باب روا می‌داشتند و تاریخ مطبوع بی‌نظری موجود نبود تا اهل حقیقت بدان رجوع نمایند. اثر مذکور در فاصله سالهای ۱۳۰۶-۱۳۰۸ ه. ق. (۱۸۸۸-۱۸۹۰ م.) از قلم مبارک مرقوم گردیده است. مقاله، شخصی سیاح شامل دو بخش است. بخش نخست حاوی شرح مختصر حیات حضرت باب و تنی چند از اصحاب آن حضرت و حوادث عهد اعلیٰ (صص ۱-۵۶). بخش دوم در خصوص سالهای نخست عهد ابهی^۲ است. لوح مبارک سلطان پیوست این بخش مطبوع گشته است. از آثار تاریخی دیگر حضرت عبداله‌بهاء کتاب تذکرة الوفاء^۳ را توان نام برد. این کتاب حاوی شرح حیات دهها تن از اصحاب حضرت باب و جمال ابهی^۴ و صدها نکته، تاریخی مهم و جالب است.

ت- آثار حضرت ولی امرالله: بزرگترین اثر تاریخی حضرت ولی امرالله *God Passes By* (کتاب قرن بدیع) است. این اثر نفیس شاهکار تاریخ‌نگاری و متنی فلسفی، علمی و هنری است که برای پی بردن به نکات دقیقه، عمیق، مندرجه در آن باید به کرات با کمال دقت مطالعه شود. از خصائص عمده، کتاب بررسی علل وقوع و نتایج حوادث تاریخ امر اعظم است که متأسفانه در آثار تاریخ‌نگاران بهائی کمتر بدانها توجه گردیده است.

لوح قرن فارسی (لوح ۱۰۱ بدیع) نیز خلاصه‌ای از کتاب قرن بدیع است. هر دو اثر مبارک حاوی تاریخ یکصد ساله، امر بدیع (از ظهور حضرت باب تا اواسط دور ولایت) است. توقیع معروف قد ظهر یوم المیعاد (*The Promised Day Is Come*)، السواح ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۰ و ۱۱۱ بدیع نیز از دیگر منابع مهمه، تاریخ امر است.

در بحث از منابع امری تاریخ بهائی باید به دو گونه منبع اشاره نمود: نخست آثار تاریخی (Monuments) و دوم مکتوبات و اسناد (Documents). آثار و بقایای قلعه، طبرسی، دق الباب خانه، زینب بیگم اردستانی در محله باب الرّحی در اردستان، حدیقة الرّحمن در آباده (مدفن رئوس شهدای نیریز)، منبر سنگی مسجد وکیل شیراز، بیت جمال ابهی^۵ در طهران، بیت اعظم در بغداد، بقاع مقدسه، علیا در ارض اقدس حیفاء و عکا همه از آثار مادّی و از منابع تاریخ امر بهائی‌اند. ولكن در این پژوهش مراد از منابع تاریخ امر بهائی مدارک مکتوب موجود است. به عبارت دیگر تواریخ امریه است. از بیان مبارک حضرت باب در کتاب دلائل سبعة روشن می‌شود که از همان اوان نخستین ظهور و نزول کتاب مذکور وقایع امر بدیع را نفوس به تفصیل نوشته‌اند. قوله الاعلیٰ: «از برای خدا عبادی هست که وقایع از اول ظهور را حرفاً به حرف ثبت نموده...» متأسفانه غالب مدارک مکتوب مورد اشاره، حضرت باب از بین رفته (و یا به دست نیامده) و

تنها چند نوشته حاکی از خاطرات اصحاب عهد اعلیٰ از وقایع مربوط به حیات مبارک و حوادث خونین آن عهد باقی مانده است. اگرچه نویسندگان آثار مذکور اصولاً با شیوه‌های تحقیق در تاریخ‌نگاری آشنا نبوده‌اند و لکن روایات تاریخی آنان مبنای کار تاریخ‌نگارانی چون نبیل زرنندی گشته لذا حائز نهایت اهمیت است و ما به برخی از آن اسناد مکتوبه بعداً اشاره خواهیم کرد. به هر حال در اینجا تواریخ امریه (اعم از خطی و مطبوع) که منابع اصلی تحقیق پژوهشگران بهائی بوده و هستند مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱- تاریخ نبیل زرنندی: تاریخ نبیل زرنندی از منابع بسیار مهم امری است که بخشی از آن را حضرت ولی امرالله به انگلیسی ترجمه فرموده‌اند.* در پاسخ این پرسش که چرا حضرت ولی امرالله از میان تواریخ موجود به ترجمه تاریخ نبیل زرنندی مبادرت فرموده‌اند با استمداد از بیانات مبارکه خود آن حضرت از جمله در مقدمه ترجمه انگلیسی کتاب و نیز در چند موضع از کتاب قرن بدیع و توجه به زندگی نبیل و محتوای تاریخ او می‌توان به نکات زیر اشاره نمود:

نخست- علاوه بر آنکه بخش‌هایی از تاریخ نبیل به تصویب حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء رسیده در این تاریخ نقش جمال ابهی^۱ در حوادث عهد اعلیٰ بسیار دقیق و گویا تصویر شده است.^۲ نبیل به خوبی دریافته بوده که شمس شرع بیان پس از شهادت حضرت باب، خصوصاً پس از واقعه رمی شاه و قتل عام بابیان و ارباب کامل آنان در شرف کسوف بوده و قیام حضرت بهاءالله موجب احیاء آئین بابی گشته است.

دوم- تاریخ نبیل موضوع قیادت یحیی^۳ ازل را به نحو مطلوب توضیح نموده است. به نظر نبیل یحیی^۴ صرفاً در مدتی محدود صاحب ریاستی اسمی بوده و پس از ظهور حضرت من یظهره الله (حضرت بهاءالله) نقشی نداشته است.

سوم- نبیل از همان آغاز وقوع حساس‌ترین حوادث امر بدیع شاهد وقایع و در برخی از آنها دخیل بوده است.

چهارم- منابع اطلاعات نبیل دست اول بوده زیرا علاوه بر جمال ابهی^۵ و جناب کلیم و نفوسی که در پیش‌گفتار تاریخ خود به آنان اشاره نموده، در هر حادثه از اطلاعات شاهدان و افراد دخیل در آن واقعه استفاده کرده است.

پنجم- نبیل شرح وقایع تاریخ امر مبارک را به ترتیب زمان وقوع تنظیم نموده و بدین لحاظ يك متن منضبط تاریخ‌نگاری ارائه کرده است.

ششم- تاریخ نبیل درباره حساس‌ترین وقایع تاریخ امر چون اظهار امر حضرت باب در شیراز و اظهار امر حضرت بهاءالله در باغ رضوان حاوی مطالبی است که در هیچ يك از کتب تاریخی دیگر نیست.

هفتم- نبیل نهایت دقت را در تنظیم مطالب تاریخی نموده و چون حقائق را تحریف نکرده

* نویسنده ارجمند در سخنرانی خود شرح کامل و مشروحی در مورد حیات نبیل زرنندی و تاریخ او و ترجمه آن به انگلیسی توسط حضرت ولی امرالله بیان داشتند که به خاطر آمدن مقالات مستقل در این زمینه‌ها، که موضوع سخنان ناطقین دیگر بود از این بخش حذف گردید.

تاریخش با منابع قدیمی‌تر بابی و بهائی در اصول منطبق است.

هشتم- تاریخ نبیل مفصل‌ترین متن موجود در باب وقایع دو عهد اعلیٰ و ابهی بوده است.

نهم- نبیل بر خلاف برخی از وقایع‌نگاران عهد اعلیٰ دقیقاً دریافته است که بابیان فاقد روح خشونت نظامی بوده‌اند و حرکاتشان در وقایع مازندران، نیریز و زنجان جنبه دفاعی داشته است و آنان هرگز قصد جهاد تهاجمی نداشته‌اند.

دهم- اگرچه ظاهراً نبیل تاریخ خود را برای مردم مغرب زمین ننوشته و لکن نگرش ژرف و شیوه تاریخ‌نگاری او اهمیت کتاب را از مرزهای ایران و سرزمین‌های اسلامی فراتر برده است.

یازدهم- سبک نگارش نبیل شیرین، گیرا، گویا و در عین حال ساده است و هرکجا سخن از عواطف انسانی است قلم او قدرت و قاطعیت بیشتری دارد.

دوازدهم- تاریخ نبیل از لحاظ اخلاقی نیز اثر بسیار ارزشمند و آموزنده‌ایست و عاقبت حال ظالمان و شریران و عظمت مقام قهرمانان جاودانه، امر اعظم را به خوبی تصویر نموده است.

سیزدهم- تاریخ نبیل در کلیات و اصول ابداً لغزشی ندارد و با نصوص مبارکه منطبق است و اگر در برخی از جزئیات اشکالاتی دیده می‌شود هرگز در صحت اصل کتاب تأثیر نامطلوبی ندارد.

چهاردهم- نبیل از سال‌ها پیش از تألیف تاریخ خود در اندیشه جمع‌آوری مدارک و اسناد مربوطه بوده و در نتیجه هرچه زمان گذشته قضاوت او در باب حوادث تاریخی امر عمیق‌تر و دقیق‌تر گردیده است. اینست که باید گفت فاصله زمان نگارش تاریخ او و وقوع حوادث عهد اعلیٰ از اعتبار و سندیت تاریخ او نمی‌کاهد.^۴

۲- تاریخ جناب حاج میرزا جانی: میرزا جانی از تجار معروف کاشان بود و در همان آغاز ظهور حضرت باب و سیله، جناب باب الباب فائز به ایمان گشت. چند روز افتخار میزبانی حضرت باب را در کاشان داشت. در برخی از وقایع مهمه، عهد اعلیٰ دخیل بود و سرانجام در واقعه رمی شاه (۱۸۵۲ م.) به شهادت رسید. به گفته جناب ابوالفضائل حاج میرزا جانی در ایام اخیر حیات خود ساکن قریه، شاه عبدالعظیم بود و در آنجا به تألیف تاریخی در خصوص وقایع عهد اعلیٰ پرداخت.^۵ به فرموده حضرت عبدالبهاء در لوح مبارک خطاب به حضرات ایادی امرالله در طهران: «حاجی میرزا جانی شهید چند جزوه تاریخی نوشته بود ناقم مختصر پیش برادرزاده، حضرت ذبیح آقا محمد رضا بود. گویا به خط خود حاجی میرزا جانی بود...»^۶ پروفیسور براون (Browne) در سال ۱۸۹۲ م. (چهل سال پس از شهادت حاج میرزا جانی) مدعی شده که نسخه منحصر به فرد تاریخ حاج میرزا جانی را در کتابخانه، ملی پاریس تحت عنوان *نقطة الکاف* و در میان آثار متعلق به گوینو (Gobineau) فرانسوی یافته است. این نکات در مقدمه براون بر کتاب مذکور (که به حقیقت به انشاء محمد قزوینی است) تصریح گشته است. باید توجه داشت که در آثار گوینو و از جمله کتاب معروف او *مذاهب و فلسفه در آسیای وسطی* ذکری از کتاب *نقطة الکاف* نشده است.

پس از انتشار *نقطة الکاف* در سال ۱۹۱۰ م. در لیدن هلند مسئله اثبات صحت انتساب این کتاب به حاج میرزا جانی مطرح گردید. حضرت عبدالبهاء پس از انتشار کتاب مذکور در لوح

مبارک خطاب به حضرات ایادی امرالله در طهران می‌فرمایند :

« این آیام تازگی امت بی‌حیا خدعه نموده و مکر و دسیسه مجری داشته‌اند و آن اینست که کتاب تاریخی به اسم حاجی میرزا جانی شهید جعل نموده‌اند و آن را چندی پیش به کتابخانه، پاریس فرستاده‌اند و ادوارد برون انگلیزی که در سفر ایران محاط به یحیائی‌ها بود... و همواره با او مخابرات می‌کرده‌اند به هر وسیله تشبث جستند که او را بر ضد امرالله تشویق و تحریص نمایند... حال آن کتاب طبع و انتشار داده شده است. از بدایت تا نهایت به دستورالعمل یحیائی‌ها و تلقین آنها به تمامه مخالف واقع مرقوم گشته تا سبب تخدیش اذهان و تشویش افکار گردد. فقرات خود کتاب تکذیب یکدیگر می‌نماید... از بدایت عالم تا یومنا هذا کتابی به این اراجیف و مهمل و هذیان تألیف نشده... در نص این مقدمه، برون مرقوم است که جز یک نسخه از آن تاریخ یافت نشد و آن هم در کتابخانه، پاریس. سبحان الله، با وجودی که در آن زمان جمیع احباء در نهایت تعطش تاریخ این امر بودند یک نسخه در ایران پیدا نشد؟ از همین واضح شد که آن تاریخ پاریس مجعولست...»^۷

با توجه به بیانات حضرت عبداله‌ها، کتاب *نقطه الکاف* نمی‌تواند به عنوان یک منبع امری مورد استناد پژوهشگران بهائی قرار گیرد و تا پیدا شدن اصل تاریخ حاج میرزا جانی به هیچ یک از بخش‌های *نقطه الکاف* نمی‌توان اعتماد نمود. از محتوای نسخه، مطبوع *نقطه الکاف* روشن نمی‌شود که حاج میرزا جانی مؤلف آنست زیرا در چند موضع و از جمله صفحه ۲۴۲ آن کتاب به خود میرزا جانی به عنوان «شخصی از اصحاب که به حاجی کاشانی معروف می‌باشد» اشاره گشته است و یا مستفاد می‌شود که چند تن در تألیف و تلفیق کتاب دست داشته‌اند. ذکر وقایع سال ۱۲۷۰ ه. ق. (۱۸۵۳ م.) در صفحه ۹۲ متن و ذکر مؤمنین در شهر اسلامبول (مربوط به سال ۱۸۶۳ م.) در موضع دیگری از *نقطه الکاف* می‌رساند که تلفیق کتاب پس از دوران اسلامبول بوده است. مطالب عجیب دیگری در کتاب است که می‌رساند مؤلف و یا مؤلفان کتاب *مجعول نقطه الکاف* از جماعت ازلیان بوده‌اند. با آنکه بارها در باب وصایت *مجعوله* ازل در این کتاب تصریح است ولی در موردی مذکور گشته که میرزا یحیی همان من یظهره الله موعود بیان است: «مراد از من یظهره الله من بعد از ایشان خود حضرت ازل می‌باشد لایغیره زیرا که دو نقطه در یک زمان نشاید.»^۸

۲- تاریخ جناب میرزا حسین همدانی: میرزا حسین همدانی دانی جناب صدرالصدور همدانی و در آغاز در جرگه، صوفیان بود. میرزا حسین مردی ادیب و زبان‌دان و در عهد ناصرالدین شاه در دستگاه دولت صاحب مقام بود. در سفر نخست شاه به اروپا از همراهان وی بود و در راه برگشت به ایران چندی در استانبول توقف نمود. پس از مراجعت به ایران به سعایت دشمنان امر همراه تنی چند از دیگر بهائیان طهران به سال ۱۲۹۱ ه. ق. (۱۸۷۴ م.) زندانی گشت. پس از رهایی از زندان در دفتر مانکجی سرپرست زرتشتیان ایران به کار انشاء پرداخت. در ضمن به مطالعه و تحقیق نیز اشتغال داشت. میرزا حسین در سال ۱۲۹۹ ه. ق. (۱۸۸۱ م.) در رشت صعود نمود. مانکجی که در بغداد به حضور جمال ابهی رسیده بود و اصولاً به تاریخ و معارف امر بدیع

علاقه داشت از میرزا حسین درخواست نمود که کتابی در تاریخ ظهور جدید تألیف نماید. میرزا حسین از جناب ابوالفضائل کمک طلبید و ابوالفضائل نیز برخی مواد لازمه خصوصاً مسموعات خویش را از جناب حاج سید جواد کربلائی در اختیار او گذاشت و از وی خواست که نسخه، خطی تاریخ حاج میرزا جانی کاشانی را به دست آورد و با استفاده از آن متن و نیز دو کتاب *ناسخ التواریخ* و *روضه الصفاى ناصرى* (در خصوص تاریخ روز و ماه و سال وقوع حوادث عهد اعلی) به تألیف تاریخ خود مبادرت نماید. سپس اوراق نوشته شده را به تدریج خدمت حاج سید جواد کربلائی برای تأیید و تصحیح تقدیم نماید. ضمناً ابوالفضائل برای کتاب میرزا حسین همدانی مقدمه‌ای نوشت و او را به اتباع از حقیقت تشویق نمود. میرزا حسین تصمیم گرفت تاریخ خود را در دو مجلد تألیف نماید. جلد نخست در خصوص حیات حضرت باب و جلد دوم مربوط به حیات جمال ابهی. میرزا حسین بر اساس نظریات جناب ابوالفضائل به نگارش جلد نخست مبادرت کرد ولیکن مانع‌گجی مذکور وی را بر آن داشت که تغییراتی در تاریخ خود دهد و اصولاً بسیاری از مطالب را شخصاً به میرزا حسین دیکته می‌نمود که بنگارد. این بود که شیوه، نگارش و محتوای کتاب با میل مؤلف توافق کامل نداشت.

به هر حال عمر جناب میرزا حسین همدانی کفاف نداد که جلد دوم کتاب تاریخ خود را بنویسد. قصد حقیقی میرزا حسین همدانی تصحیح و تکمیل تاریخ حاج میرزا جانی بوده که گاه بدان نائل شده و گاه به علت دخالت مانع‌گجی در کار تألیف تحقق نیافته است. متن اصلی فارسی کتاب تا کنون به طبع نرسیده ولیکن از همان زمان تألیف نسخ خطی متعدد از آن فراهم گشته است. غالب این نسخ با یکدیگر اختلاف داشته و کاتبین بی‌اطلاع به ذوق و سلیقه، خویش در متن تغییراتی داده‌اند. نگارنده حدود چهل سال پیش در کتابخانه، فتح اعظم (کتابخانه، حظیره القدس ملی بهائیان ایران) در طهران به نسخه‌ای از کتاب میرزا حسین همدانی دست یافت که به وسیله فیلسوف بهائی جناب فاضل قائنی تصحیح و تکمیل شده بود. این نسخه که به تاریخ بدیع بیانی شهرت دارد در حدود سال ۱۳۰۰ ه. ق. (۱۸۸۲ م.) تحریر گشته است. پروفیسور براون که نسخه‌ای از تاریخ میرزا حسین همدانی را در سال ۱۸۸۸ م. در شیراز به دست آورده بود بعداً آن را به انگلیسی تحت عنوان تاریخ جدید (*The Tārīkh-i-Jadīd (New History)*) ترجمه و در سال ۱۸۹۲ م. در کیمبریج انگلستان منتشر نمود. متن انگلیسی تاریخ جدید حاوی مقدمه‌های از براون و حواشی و پیوسته‌هایی است که در آنها کیفیت نگارش وقایع مذکور در تاریخ جدید با تاریخ قدیم (تاریخ میرزا جانی) مقایسه شده است. رساله، مختصر فارسی میرزا یحیی ازل تحت عنوان *مجمل بدیع در وقایع ظهور منیع* که به خواهش براون نوشته و ترجمه، انگلیسی آن جزء پیوسته‌های کتاب است. هم متن فارسی و هم متن انگلیسی تاریخ میرزا حسین همدانی (خصوصاً حواشی و برخی از پیوسته‌های متن انگلیسی) حاوی مطالب جالب و مفیدی است که در حواشی *The Dawn-Breakers* بدانها اشاره و استناد گشته است. مطالب اساسی کتاب (پس از مقدمه) عبارتند از اشاره به جناب سید کاظم رشتی و بشارات او به قرب ظهور؛ شرح حیات حضرت باب از اظهار امر مبارک تا ایام سجن آذربایجان، مجلس محاکمه تبریز و سرانجام شهادت آن حضرت؛ چگونگی

ایمان جناب باب الباب، جناب قدّوس، جناب مقدّس خراسانی، جناب شیخ سعید هندی و جناب سید بصیر هندی؛ سفر باب الباب به خراسان و همراهی با جناب قدّوس و عزیمت به قلعه طبرسی؛ تفصیل سه واقعه، طبرسی، نیریز و زنجان؛ قیام جناب طاهره؛ و شرح شهادت شهدای سبعة، طهران. علاوه بر مطالب تاریخی کتاب تاریخ جدید حاوی شرح دلائل حقانیت حضرت باب و بیان فساد علمای مخالف امر بدیع و ردّ اتهامات ناروای وارد بر اصحاب و بالاخره مؤخره کتاب است.

۴- آثار جناب ابوالفضائل: جناب میرزا ابوالفضل گلپایگانی (۱۸۴۴-۱۹۱۴ م.) از برجسته‌ترین فضلاء، ادباء و نویسندگان دو عهد ابه‌ی و میثاق و خالق آثار جاودانه است. خدمات و تألیفات فاضلانه او مشهورتر از آفتاب است و شرح آن در الواح جمال ابه‌ی، حضرت عبدالبهاء، حضرت ولیّ امرالله و متون تواریخ امریه آمده است.^۹ از اهم آثار جناب ابوالفضائل کتاب فرائد، فصل الخطاب، کشف الغطاء عن حیل الاعداء، درر البهیه، حجج البهیه، رساله اسکندریه و شرح آیات مورّخه را توان نام برد. برخی دیگر از رسائل و رقائم وی نیز به همت جناب روح‌الله مهرباخانی به طبع رسیده است. در میان رسائل مطبوع، تاریخ مختصر ظهور مقام مخصوص دارد و حاوی برخی از نکات دقیقه در خصوص حیات حضرت باب و جمال ابه‌ی است. سواد نسخه اصلی این کتاب به خطّ ابوالفضائل نزد نگارنده موجود است. کتاب کشف الغطاء که مهم‌ترین متن تاریخی به قلم ابوالفضائل است در پاسخ اعتراضات و شبهات پروفیسور براون و ازیلیان و در اثبات مجموعیت کتاب نقطه الکاف نوشته شده است. این کتاب به علت صعود جناب ابوالفضائل ناگام مانده و سپس به امر حضرت عبدالبهاء وسیله جناب سید مهدی گلپایگانی و به انشاء وی (و با اعانت تنی چند از دیگر فضلاء امر) تکمیل گردیده است. کشف الغطاء حاوی دهها نکته دقیقه در خصوص تاریخ عصر رسولی دور بهائی است و حضرت ولیّ امرالله به کرات فقراتی از کتاب مذکور را در حواشی *The Dawn-Breakers* نقل فرموده‌اند.

۵- آثار جناب فاضل مازندرانی: جناب میرزا اسدالله فاضل مازندرانی (۱۸۸۰-۱۹۵۷ م.) از آغاز جوانی از علماء بزرگ زمان خویش به شمار می‌رفت و در غالب معارف عصر چون فقه، اصول، کلام، فلسفه، تاریخ ادیان، ادب فارسی و عربی و منطق تبخّر داشت. وی در اواسط دوره میثاق به امر اعظم مؤمن گشت. خدمات جاودانه فاضل در ایران، هندوستان، مصر، امریکا و کانادا در دو عهد میثاق و ولایت در تاریخ امر مبارک به تفصیل آمده است. حضرت عبدالبهاء او را «مبلغ کامل»^{۱۰} و در عرصه دانش و حکمت «تالی ابوالفضائل» خوانده‌اند.^{۱۱} از آثار مهم مطبوع جناب فاضل تاریخ ظهور الحقّ، اسرار الآثار، امر و خلق، رهبران و رهروان بزرگ و دهها مقالات منتشره (غالباً تاریخی) در ایران و امریکا است. از جناب فاضل همچنین تاریخ مختصر امر در یک جلد (خطی) باقی مانده است که احتواء بر نکات و مطالب مهمه دارد.^{۱۲} کتاب ظهور الحقّ بزرگ‌ترین اثر جناب فاضل و در نه مجلد تألیف یافته است. مجلد نخست تا سوم در خصوص حوادث عهد اعلیّ است. جلد سوم که در ۵۲۲ صفحه در حدود سال ۱۹۴۴ م. در طهران به طبع رسیده و متمم دو جلد دیگر است به شرح حیات حروف حیّ و دیگر اصحاب حضرت باب و نیز بیان محلّ و

موقعیت اماکن متبرکه، امر در عهد اعلیٰ اختصاص دارد. این کتاب گنجینه‌ای از مطالب مهمّه، تاریخیه است.

حضرت ولی امرالله در ابلاغیه، مورّخه، بیست و ششم فوریه، ۱۹۲۸ م. پس از وصول یکی از مجلّدات تاریخ ظهور الحقّ خطاب به جناب فاضل مازندرانی می‌فرماید: «ایها الفاضل الجلیل و الشّهم النبیل، مجهودات عظیمه و اقدامات باهره، آن رکن رکین جامعه در موطن اصلی جمال احدیه آنی از یاد نرود. ملا اعلیٰ و سکان فردوس ابهی تمجید نمایند و تهنیت گویند و تحسین کنند. این عبد ممنون و مستبشر و مزید تأیید را دائماً لیلاً و نهاراً از حضرت خفیّ اللطاف متمنی و ملتمس.» در آخر بخش سوم ظهور الحقّ (صص ۵۰۲-۵۲۲) رساله‌ای از یکی از بایبان اولیه با امضاء ابن کربلائی درج گردیده که حاوی اطلاعات مفیدی در خصوص سال‌های نخستین ظهور بدیع است. در خصوص این رساله فاضل نوشته است: «رساله، دیگر که نیز در کربلا به سال ۱۲۶۳ ه. ق. در جواب و حلّ ردود و شکوک حاجی محمد کریم خان کرمانی و اثبات حقیقت حضرت باب نوشته شد.» رساله، ابن کربلائی به خاطر احتوایش بر مطالب تاریخی مهمّی در دهه‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران شرقی و غربی بهائی (و غیربهائی) قرار گرفته و لکن غالباً در تعیین نام نویسنده دچار اشتباه جالبی گشته‌اند. زیرا لفظ «قتیل» که به قول مقبول جناب دکتر محمد افنان دنباله، عبارات احترام‌آمیز مربوط به جناب سید کاظم رشتی است^{۱۲} متأسفانه نام و یا نام مستعار ابن کربلائی تلقی شده و او به قتیل بن الکربلائی معروف گشته است. اینکه برخی تصور کرده‌اند رساله، ابن کربلائی نیز از جناب طاهره است منطقی به نظر نمی‌رسد. زیرا خود عبارت «ابن کربلائی» ناقض این گفته است. از این گذشته ابن کربلائی در رساله، خود (صفحه، ۵۲۹ جلد سوم ظهور الحقّ) تصریح نموده که حدّ اقلّ مدّت ده سال نزد جناب سید کاظم رشتی تلمذ می‌کرده است و این نکته در خصوص جناب طاهره صادق نیست. شاید این نظر که رساله، مذکوره از شیخ سلطان کربلائی است به حقیقت نزدیکتر باشد.

پاره‌ای از نکات مندرج در مجلّد سوم ظهور الحقّ با محتوای تاریخ نبیل زرنندی موافقت ندارد. برای مثال جناب فاضل، ملا مهدی خوئی را نیز از حروف حیّ شمرده است (جلد سوم ظهور الحقّ، ص ۶۳) حال آنکه در تاریخ نبیل زرنندی مطلب بدین گونه نیامده است. پس از انتشار جلد سوم ظهور الحقّ حضرت ولی امرالله به محفل ملی ایران امر فرمودند لجنه‌ای را مأمور بررسی متن کتاب مذکور و تعیین موارد اختلافش با تاریخ نبیل زرنندی نماید. امر مبارک اجراء و موارد اختلاف معین و به جناب فاضل جهت تعدیل ابلاغ گردید. جناب فاضل پس از وقوف از دستور حضرت ولی امرالله و اطلاع از موارد مذکور فوراً نامه‌ای خطاب به همه، نفوسی که جلد سوم ظهور الحقّ را مطالعه کرده و یا خواهند کرد نوشت و تقاضا نمود که موارد یاد شده را در نظر گیرند و یا در حاشیه، صفحات ظهور الحقّ مرقوم نمایند.

مجلّدات چهارم تا هشتم ظهور الحقّ حاوی شرح حوادث دو عهد ابهی و میثاق است. جلد نهم اختصاص به عهد ولایت تا زمان تألیف کتاب دارد. به عبارت دیگر بیان حوادث تا آخر عهد نخست از عصر تکوین است. جلد هشتم ظهور الحقّ وسیله، مؤسسه، ملی مطبوعات امری ایران در

دو قسمت در سال ۱۳۲ ب. به طبع رسیده است. این جلد شامل شرح حیات مؤمنین و نیز مهمین از مخالفین و بیان امکانه تاریخیه، امر در ایام اشراق حضرت عبدالبهاء است. نخست به تفصیل در باب احباب ایران و سپس به اختصار در خصوص مؤمنین در سرزمین‌های ترکستان روسیه (خصوصاً عشق‌آباد)، فلسطین و سوریه، مصر، هندوستان، چین، آلمان، انگلستان، فرانسه و امریکای شمالی سخن رفته است. مجلد هشتم نیز چون مجلد سوم حاوی بسیاری از دقائق مربوط به تاریخ امر مبارک است. کمتر پژوهشگر بهائی غربی و شرقی است که در جریان تحقیق و نگارش در خصوص تاریخ امر اعظم نیاز به مراجعه به کتاب نفیس ظهور الحق نداشته باشد. این نفاست وقتی جلوه کامل خواهد داشت که محتوای کتاب دقیقاً با نصوص مبارکه و تاریخ (تقریباً) مصوب نبیل زرنندی تطبیق شود. کتاب اسرار الآثار (در پنج مجلد) نیز از آثار مهمه جناب فاضل و حاوی صدها نکته، دقیقه، تاریخیه مربوط به امر بدیع است.

۶- آثار جناب اشراق‌خاوری: جناب عبدالحمید اشراق‌خاوری همانطور که جناب عزیزالله سلیمانی اردکانی تصریح کرده است: «در ردیف افاحم فضلاى امرالله از قبیل جناب میرزا اسدالله فاضل مازندرانی و جناب وحید کشفی (میرزا یوسف خان) و جناب آقا سید عباس علوی» بوده است.^{۱۴} جناب اشراق‌خاوری در سال ۱۹۰۲ م. در مشهد خراسان به دنیا آمد و در همان شهر به تحصیل مقدمات فارسی و عربی و سپس معارف اسلامی پرداخت. سال‌ها به لباس ملائی ملبس بود تا آنکه در سال ۱۳۴۵ ه. ق. (۱۹۲۶ م.) بر اثر مذاکره با برخی از احباب خصوصاً جناب میرزا یوسف خان وجدانی و زیارت پاره‌ای از آثار قلم‌اعلی به موهبت ایمان فائز گشت و از آن پس به تبلیغ و جدأ به تحقیق در باب معارف امر بدیع پرداخت. در سال ۱۹۲۶ م. به امر حضرت ولی امرالله مقیم کردستان عراق شد. نامبرده دهه‌ها سال در نقاط مختلف به تبلیغ و تعلیم و تألیف اشتغال داشت. پس از صعود حضرت ولی امرالله اسفاری به کشورهای کنار خلیج فارس و اروپا نمود. جناب اشراق‌خاوری کثیر التالیف‌ترین مؤلف بهائی است و ده‌ها اثر ارزشمند از وی به یادگار مانده است. صعود نامبرده در پنجم آگست ۱۹۷۲ م. در طهران واقع گشت. اگرچه جناب اشراق‌خاوری کتاب مستقلی چون ظهور الحق جناب فاضل مازندرانی در تاریخ امر تألیف نکرده است ولیکن جمع محتویات آثار آن جناب در خصوص تاریخ امر بسیار غنی و شایسته تقدیر و فیر است. مهم‌ترین تألیفات جناب اشراق‌خاوری که حاوی مباحث تاریخی مربوط به امر مبارک است عبارتند از رحیق مختوم (قاموس لوح قرن احبای شرق)، اسرار ربانی (قاموس لوح ۱۰۵ بدیع)، قاموس کتاب ایقان، قاموس لوح شیخ (خطی)، نورین نیرین (در احوال خاندان نهری و جنابان سلطان الشهداء و محبوب الشهداء)، محاضرات، تقویم تاریخ امر، اقداح الفلاح، تاریخ امری همدان (خطی)، دائره المعارف امری (خطی). در کتاب الطراز الاطلس للکتاب الاقدس (خطی) نیز به بسیاری از نکات مربوط به تاریخ امر مبارک اشاره کرده است.

از دیگر آثار مهمه اشراق‌خاوری مجلّات مائده، آسمانی، مجلّات درج لثالی هدایت، گنج شایگان، آفاق و انفس (خطی)، گنجینه، حدود و احکام (خلاصه، کتاب الطراز الاطلس...) و جنات نعیم را توان نام برد. آثار ارزشمند جناب اشراق‌خاوری از منابع مهمه تحقیق تاریخی برای

پژوهشگران بهائی و غیربهائی شرقی و غربی است. ترجمه تاریخ نبیل زرنندی از متن عربی به فارسی نیز از خدمات فناپذیر جناب اشراق‌خاوری است.^{۱۵}

۷- آثار جناب محمد علی فیضی: جناب فیضی به حق یکی از پرکارترین مؤلفین و پژوهشگران بهائی در دهه‌های اخیر بوده است. وی در سال ۱۲۸۰ ه. ش. (۱۹۰۰ م.) در محله ارک قم تولد یافت. پدر جناب فیضی میرزا عبدالحسین خان (نواده، ملاً محسن فیض کاشانی) در اداره تلگراف شاغل بود و بر اثر معاشرت و مذاکره، مخفیانه با برادران ندآف و ارباب سیاوش سفیدوش در قم و نیز میرزا علی نقی خان اصفهانی رئیس تلگرافخانه کاشان (که وسیله جناب میرزا اسدالله وزیر مؤمن شده بود) فائز به ایمان گشت. ولکن احدی از بستگان از ایمان وی اطلاع نداشت. جناب فیضی نیز در آغاز از امر مبارک آگاهی نداشت تا آنکه پدرش در سفر همدان او را همراه خویش برد و در آنجا در مدرسه تأیید به تحصیل گماشت. در همدان بر اثر معاشرت و مذاکره با شاگردان و معلمان مدرسه تأیید خصوصاً جناب شیخ محسن دبیر مؤید به امر ابهی مؤمن شد و از آن پس تا پایان حیات به خدمت، تبلیغ، تدریس، تحقیق و تألیف اشتغال داشت. مادر جناب فیضی نیز (که از خاندان شاهزادگان زندیه بود) سالها بعد هنگامی که با ایادی فقید امرالله جناب ابوالقاسم فیضی (برادر ارجمند جناب محمد علی فیضی) در نجف‌آباد سکونت داشت فائز به ایمان گشت. جناب محمد علی فیضی در ۲۸ دسامبر سال ۱۹۹۲ م. در امریکا به ملکوت ابهی صعود کرد.^{۱۶} از ویژگی‌های عمده آثار تاریخی جناب فیضی دقت در پژوهش و صحت مطالب است.

از مهم‌ترین آثار تاریخی جناب فیضی کتاب حضرت نقطه اولی، حضرت بهاء‌الله، حیات حضرت عبدالبهاء، خاندان افنان، و نیریز مشکبیز را توان نام برد. کتاب حضرت نقطه اولی از نفیس‌ترین کتبی است که در تاریخ حیات حضرت باب تألیف گردیده است. این کتاب مستند به برخی از اهم تألیفات امری و نیز نصوص مبارکه، حضرت باب است. مؤلف محترم چنانکه خود تصریح کرده متن کتاب را به بیان شرح حیات حضرت باب اختصاص داده و اصولاً وارد جزئیات نشده و کمتر اشاره به حیات اصحاب آن حضرت دارد. با وجود این عدد صفحات کتاب بیش از ۳۹۰ است. اثر دیگر جناب فیضی شرح حیات حضرت بهاء‌الله غنای کتاب پیشین (حضرت نقطه اولی) را ندارد ولی اطلاعات کلی و صحیحی در خصوص حیات جمال ابهی به دست می‌دهد.

کتاب حیات حضرت عبدالبهاء نیز از آثار مهمه جناب فیضی است. این کتاب علاوه بر حیات مبارک حاوی شرح احوال برخی از شهداء و رجال برجسته، عهد میثاق است. آنچه باید مجدداً در خصوص دو کتاب اخیر گفته شود صحت مطالب مندرج در آنها است. البته کتاب حضرت نقطه اولی نیز اصولاً واجد همین ویژگی است.

کتاب خاندان افنان نیز اثری دست اول و ارزشمند در خصوص احوال حضرات افنان است که در انطباعات بهائی بی‌نظیر است. کتاب نیریز مشکبیز نیز چنانکه از عنوانش روشن است در شرح واقعه، نیریز تألیف شده است و اثری ارزشمند برای پژوهشگران در تاریخ امر است. از دیگر آثار مطبوع جناب فیضی کتاب اخلاق بهائی، لثالی درخشان و تاریخ ادیان (یهودی، مسیحی، اسلام و...) را توان نام برد. همچنین مقالات متعدده از نامبرده در مجلات فارسی‌زبان امری در ایران و

مغرب زمین انتشار یافته است.

۸- آثار جناب محمد علی ملک خسروی: اجداد جناب ملک خسروی همگی اهل نور و ساکن قریه، نُج از قراء میانرود علیا (نزدیک قریه، تاگر) بوده و اهالی این دو قریه (تاگر و نُج) از دیرباز قرابت و دوستی داشته‌اند. تولد ملک خسروی در سال ۱۲۸۱ ه. ش. (۱۹۰۱ م.) در طهران واقع گشت و تحصیلاتش در دارالفنون انجام یافت. در سال ۱۳۰۲ ه. ش. وسیله پسر عمه، خود سرتیپ مجلّ نظام به مدرسه، نظام داخل شد. چند سال بعد سمت استادی و فرماندهی مدرسه، مذکور را به عهده داشت و سرانجام در سال ۱۳۱۴ ه. ش. به علت بهائی بودن از ارتش اخراج گردید. اما ایمان ملک خسروی به امر بدیع در سال ۱۳۰۶ ه. ش. بر اثر مذاکرات با جناب الله قلی سبحانی و جناب عنایت الله مهاجرین و زیارت آثار مبارکه واقع گشت.

از آن پس قیام به خدمت امر مبارک نمود. سی و دو سال افتخار عضویت لجنه، ملی اماکن متبرکه را در ایران داشت و اطلاعات و تجربیات ارزشمندی اندوخت و حاصل بیش از چهل سال مطالعه و تحقیق خود را به صورت چند تألیف ارزشمند به جهان مطبوعات امری عرضه داشت. از نامبرده سه جلد تاریخ شهدای امر و کتاب اقلیم نور باقی و مطبوع است.^{۱۷}

جناب ملک خسروی برای تألیف تاریخ شهدای امر به دهها اثر مطبوع و خطی مراجعه نموده و الحق از عهده، این مهم به خوبی برآمده است. جلد نخست تاریخ شهدای امر اختصاص به شرح تفصیلی واقعه، قلعه، طبرسی دارد. در خاتمه، این کتاب نام سیصد و چهل و سه تن از شهدای واقعه، مذکور قید گردیده است. جلد دوم حاوی شرح حیات اصحاب قلعه، طبرسی است. جلد سوم شامل شرح احوال و شهادت شهدای طهران در عصر رسولی است. با آنکه جناب ملک خسروی به قول خودش از فضلاء امر نبوده و لکن با پژوهش دقیق اثری بسیار غنی و ارزشمند بوجود آورده است. کتاب اقلیم نور نیز که در ۲۶۶ صفحه انتشار یافته مهم‌ترین و دقیق‌ترین منبع در خصوص حیات منسوبان جمال اقدس ابهی است. جناب ملک خسروی در یازدهم تیر ماه سال ۱۳۶۳ ه. ش. در طهران به ملکوت ابهی صعود نمود.

۹- آثار جناب حسن بالیوزی: ایادی فقید امرالله جناب حسن موقر بالیوزی افنان (۱۹۰۸-۱۹۸۰ م.) از برجسته‌ترین پژوهشگران معاصر بود. نام پدرش جناب میرزا علی آقا ملقب به موقرالذوله فرزند جناب میرزا محمد حسن تاجر شیرازی است. جمال ابهی میرزا محمد حسن مذکور را از افنان محسوب فرموده‌اند. مادر جناب بالیوزی منور خانم نوه، جناب میرزا ابوالقاسم افنان (سقآخانه) برادر حرم مبارک حضرت باب بوده است. تحصیلات دانشگاهی جناب بالیوزی در بیروت و انگلستان انجام یافت. در آغاز منجذب از امر مبارک نبود ولی با زیارت حضرت ولی امرالله در همان سالهای نخست ولایت به اوج ایمان فائز گشت. عمری را صرف خدمت و تحقیق فرمود و آثار ارزشمندی از خویش به یادگار نهاد.^{۱۸}

کتاب *Bahá'u'lláh: The King of Glory* اثر گرانتندر نامبرده اساساً مأخوذ از منابع دست اول چون نیمه، دوم متن اصلی تاریخ نبیل زرنندی و یادداشت‌های آقا محمد رضا قتاد شیرازی و خاطرات آقا حسین آشچی است. و لکن توانائی جناب بالیوزی در تحقیق و انضباط علمی نامبرده

اثری فاضلانه بوجود آورده است که برای غیر مؤمنین نیز منبع عظیمی در خصوص حیات حضرت بهاء‌الله به شمار می‌رود. اثر دیگر جناب بالیوزی شرح حیات حضرت باب است که تحت عنوان *The Báb: The Herald of the Day of Days* در سال ۱۹۷۴ م. به طبع رسیده است. از جمله محاسن کتاب احتواء آن بر برخی از مدارک کمیاب و گزارش‌های مأموران سیاسی دول خارجی در ایران مربوط به وقایع عهد اعلیٰ است. کتاب ادوارد گرنویل براون و امر بهائی (*Edward Granville Browne and the Bahá'í Faith*) اثر ارزشمند دیگری است از جناب بالیوزی که به حقیقت از آثار تحقیقی اصیل در دهه‌های اخیر تاریخ امر مبارک است. محتوای کتاب از عنوانش روشن است. جناب بالیوزی ضمن نقد آثار و نظریات براون به دهها نکته، دقیق مربوط به تاریخ امر مبارک اشاره کرده است که تنها با قرائت متن می‌توان بدان نکات توجه نمود. به هر حال جوهر نظر نامبرده را در خصوص پروفیسور براون ضمن گفتگو در باب آثار شخص اخیر آورده‌ایم. کتاب *Eminent Bahá'ís in the Time of Bahá'u'lláh* (بهائیان عالی‌مقام در زمان حضرت بهاء‌الله) اثر جناب بالیوزی نیز منبع سودمندی در خصوص حیات برخی از رجال برجسته، امر برای مردم انگلیسی‌زبان است.

۱۰- تاریخ سمندر: این کتاب نوشته، جناب شیخ کاظم قزوینی ملقب از قلم ابهی^۱ به «سمندر» است. جناب سمندر ظاهراً از تجار بوده و لکن همانطور که جناب سلیمانی تصریح کرده^{۱۹} عمری را صرف نشر نفحات و تألیف چند اثر سودمند نموده است. سمندر فرزند جناب شیخ محمد نبیل قزوینی از اصحاب معروف عهد اعلیٰ بود و تولدش در سال ۱۲۶۰ ه. ق. (۱۸۴۴ م.) در قزوین واقع گشت و از همان اوان کودکی در دامان امر بدیع پرورش یافت. در ایام جمال ابهی^۱ نیز مؤمن گشت و خدمات جاودانه نمود. الواح متعدده از قلم ابهی^۱ و خامه، حضرت عبدالبهاء به اعزاز نامبرده نازل شده است. وی در سال ۱۳۳۶ ه. ق. (۱۹۱۷ م.) در قزوین به ملکوت ابهی^۱ صعود فرمود. آثار متعددی از جناب سمندر باقی مانده است.^{۲۰}

تاریخ سمندر حاوی بیان برخی از وقایع مهمه و شرح احوال گروهی از اصحاب در عصر رسولی است. سمندر خود غالباً شاهد وقایع بوده و با اصحاب اولیه معاشرت و مکاتبت داشته است. تاریخ او شامل دو بخش است. بخش نخست که در سال ۱۳۰۳ ه. ق. (۱۸۸۵ م.) نوشته شده حاوی بیان احوال گروهی از اصحاب حضرت باب (و جمال ابهی^۱) خصوصاً احباء قزوین و منسوبین جناب سمندر است. مطلب عمده بخش دوم که در حدود ۱۳۳۳ ه. ق. (۱۹۱۴ م.) تألیف یافته بیان چگونگی ایمان برخی از مؤمنین عهد اعلیٰ به جمال اقدس ابهی^۱ است. در آخر این بخش شرح حیات جناب طاهره که به خواهش امه‌الاعلیٰ^۱ خانم دکتر مودی (Moody) نگارش یافته نیز آمده است.^{۲۱}

۱۱- تاریخ معین السلطنه: این کتاب که تا کنون به طبع نرسیده تألیف جناب میرزا محمد معین السلطنه، تبریزی متولد سال ۱۲۷۰ ه. ق. (۱۸۵۳ م.) است. وی از بهائیان مشهور و مطلع تبریز و از رجال معروف دولت قاجار بود و سالها در شهرهای مختلف آذربایجان سمت حکومت داشت. ایام اخیر حیات در قزوین و طهران بود و سرانجام در شهر اخیر و در خانه، مشیر السلطنه در

حدود سال ۱۳۴۴ ه. ق. (۱۹۲۵ م.) درگذشت.^{۲۲} معین السلطنه در اواخر حیات قصد داشت که تاریخ امر بدیع را از آغاز تا ایام زندگی خویش به تفصیل بنویسد و لکن توفیق اتمام آن نیافت و کتاب صرفاً حاوی وقایع عهد اعلیٰ تا سال پنجم ظهور است. از مزایای کتاب بخش‌هایی است که از کتاب ابواب الهدی تألیف فاضل هشترودی^{۲۳} نقل کرده است. همچنین مسموعات معین السلطنه از برخی از قدماء احباب آذربایجان قابل توجه و تا حدودی موثق است.

۱۲- تاریخ کواکب الدرّیة: عنوان کامل این کتاب *کواکب الدرّیة فی مآثر البهائیة* و مؤلف آن میرزا عبدالحسین آواره است. نام قبلی او شیخ عبدالحسین تفتی بود و در حدود سال ۱۳۱۹ ه. ق. (۱۹۰۱ م.) وسیله برادر بزرگش شیخ محمد علی تفتی در قصبه، تفت به جمع بهائیان پیوست و به علت مخالفت علماء و مردم آن قصبه، تفت را رها کرده به کمک جناب آقا میرزا آقا رفیعی و جناب سید شهاب فتح اعظم در اردستان ساکن و به تعلیم کودکان بهائی مشغول گردید. آواره تخلص شعری او بوده و سپس لقبی شده که حضرت عبدالبهاء به وی عنایت فرموده‌اند. نامبرده مدتی در شهرهای مختلف و از جمله کاشان و طهران به تبلیغ اشتغال داشت تا در سال ۱۳۲۴ ه. ق. (۱۹۰۶ م.) به حضور حضرت عبدالبهاء رسید و از آن پس مصمم به کسب جدی معارف بهائی خصوصاً تاریخ امر گشت. بار دیگر نیز اقتضای تشرّف به حضور حضرت عبدالبهاء یافت. پس از صعود مبارک به ارض اقدس حیفاء احضار گشت و چندی مقیم آن بلد شد. سپس مأموریت سفر به انگلستان یافت. با آنکه در جمع بهائیان ایران مورد توجه بود و شهرت داشت و لکن چون مرتکب برخی افعال ناروا گشت اهل حقیقت به تدریج از وی دوری نمودند. سوء اعمال و آمال واهی او سرانجام سبب سقوطش گشت و در همان سال‌های نخستین عهد ولایت منفور همگان و مطرود مرکز امر رحمن گردید. با نام جدید آیتی آغاز مخالفت کرد و از حروف نفی در ادوار گذشته پیشی گرفت. سال‌ها کتب ردّیه و مقالات علیه امر اعظم نگاشت و قصد تشتیت جمع اهل بهاء داشت ولی توفیق نیافت و پس از مشاهده عظمت و اشتهار کامل امرالله در عالم با نهایت خسران در سال ۱۳۳۲ ه. ش. درگذشت. کتاب *کواکب الدرّیة* در سال ۱۹۲۳ م. در دو مجلد در مطبعه سعاده در قاهره مصر به طبع رسیده است. جلد نخست حاوی شرح حیات حضرت باب و حضرت بهاء‌الله و جلد دوم شامل حوادث عهد میثاق و اشارت به آغاز عهد ولایت است. جلد نخست کتاب شامل دو فصل است. فصل نخست که تا صفحه ۲۵۳ ادامه می‌یابد به شرح حیات حضرت باب و فصل دوم (صفحات ۲۵۳-۵۲۴) به حیات جمال ابهی اختصاص دارد. کتاب *کواکب الدرّیة* با آنکه در اصول حاوی پاره‌ای اطلاعات مهم و مفید در خصوص تاریخ عهد اعلیٰ و عهد بعدی است و حضرت عبدالبهاء برخی از صفحات آن را ملاحظه و تصحیح فرموده آکنده از اشتباهات عجیبی است که در هیچ یک از آثار تاریخ‌نگاران بهائی دیده نمی‌شود. خود آواره در مقدمه جلد دوم ادعا می‌کند که همه آثار مطبوع و خطی مربوط به ظهور بدیع را دیده است و لکن به نظر می‌رسد که این ادعا واهی است و مؤلف مذکور حتی آثار معروف حضرت باب را چون بیان فارسی نخوانده است و این از محتوای کتابش معلوم می‌شود. در صفحه سی و نهم از جلد نخست اظهار امر حضرت باب را در شیراز «سه ساعت و پانزده دقیقه» پس از شب می‌نویسد.

حال آنکه نصّ بیان فارسی (باب هفتم از واحد دوّم) دو ساعت و یازده دقیقه است. نکته، جالب این است که مؤلف در صفحه، نود و دو از جلد نخست می‌نویسد: «و این واضح است تاریخی که با نصوص امّ الكتاب مباین باشد مطلقاً اعتماد را نشاید.» آواره در صفحه ۳۵۴ جلد نخست زمان نزول کتاب ایقان را در همان سال مراجعت حضرت بهاء‌الله از سلیمانیه می‌داند و این نشان می‌دهد که کتاب ایقان را دقیق نخوانده است. در همان صفحه، ۳۵۴ جناب حاج سید محمد را خال اصغر حضرت باب می‌شمارد و در موضع دیگر از جلد نخست (ص ۱۲۷) جناب باب‌الباب را در وقایع بدشت حاضر می‌داند. میزان اطلاع او از لسان عرب نیز از ترجمه، شعر ابن حجر عسقلانی (جلد نخست، ص ۱۵) روشن می‌گردد. بدین جهت است که حضرت ولی امرالله در توقیع مبارک مورخ نوروز ۱۱۱ بدیع (ص ۴۵) آواره را «نفس بی‌مایه، بی‌پایه» می‌خوانند. باری، با توجه به اینکه مؤلف کواکب الدرّیة در مقدمه، تاریخ خود (جلد نخست، صص ۲ و ۸) تصریح می‌نماید که کتاب تاریخش با «بی‌غرضی» نوشته شده روشن است که محتویات کتب و مقالات ردیّه، او مغرضانه است.

۱۳- دیگر منابع امری: علاوه بر منابع یاد شده دهها تاریخ، رساله و مقاله، مطبوع و خطی دیگر نیز باید در این بخش مورد بررسی قرار گیرند. مع الأسف پژوهش حاضر را گنجایش آن نیست لذا تنها به ذکر نام اثر و مؤلف آن اکتفاء می‌رود. برخی از مهم‌ترین آثار مذکور عبارتند از تاریخ ملاً جعفر قزوینی، تاریخ (خطی) میرزا لطفعلی شیرازی (بقیة السیف قلعه، طبرسی و از شهدای واقعه، رمی شاه) در شرح وقایع قلعه، طبرسی، تاریخ میمیه، سید حسین مهجور زواره‌ای (خطی) که به خواهرش مادر و خواهر جناب باب‌الباب و بر اساس اقوال سه تن از بقایای سیف قلعه، طبرسی (حاج عبدالمجید نیشابوری، حاج نصیر قزوینی و استاد جعفر بنای اصفهانی) و در خصوص حوادث قلعه، طبرسی نوشته شده، تاریخ حاج نصیر قزوینی در همین باب، یادداشت‌های (خطی) آقا میر ابوطالب و آقا سید محمد رضا برادرش در باب واقعه، طبرسی، تاریخ امری خراسان (خطی) نوشته، میرزا حسن فؤادی، تاریخ کاشان (خطی) به قلم میرزا محمد ناطق، تاریخ امری آذربایجان (خطی) به قلم میرزا حیدر علی اسکوتی، تاریخ وقایع تاگر (خطی) نوشته، میرزا فضل‌الله نظام الممالک، تاریخ امری اردستان (خطی) به قلم نگارنده، سطور، تاریخ میرزا حسین زنجانی (خطی)، مثنوی میرزا محمد اسمعیل ذبیح کاشانی (خطی)، تاریخ مقابر شهداء (خطی) تألیف حاج آقا محمد علاقه‌بند یزدی، تاریخ طهران (خطی) و کتاب بدایع الآثار (سفرنامه، حضرت عبدالبهاء) نوشته، میرزا محمود زرقانی، آثار حاج میرزا حیدر علی اصفهانی خصوصاً کتاب بهجة الصدور (زندگی‌نامه، مؤلف و نیز حاوی شرح برخی از حوادث ایام بطون و ظهور جمال ابهی و دوره، میثاق)، خاطرات استاد محمد علی سلمانی، مجلّات نه گانه، مصابیح هدایت تألیف عزیزالله سلیمانی اردکانی، تاریخ (خطی) حاج میرزا حبیب‌الله افغان، تاریخ شهداء یزد نوشته، حاج محمد طاهر مالمیری، تاریخ شهداء یزد (خطی) تألیف ابوالقاسم بیضاء، گوهر یکتا اثر ایادی امرالله امّ البهاء روحیه خانم، مجلّات چهار گانه، *The Revelation of Bahá'u'lláh* اثر ادیب طاهرزاده، کتاب لمعات الانوار محمد شفیع روحانی (در شرح وقایع نیریز)، تاریخ مختصر امر به قلم هیپولیت

دریفسوس، آثار و مقالات ایادی امرالله جناب میرزا حسن ادیب طالقانی، ایادی امرالله جناب علی اکبر فروتن، ایادی امرالله جناب ابوالقاسم فیضی، ایادی امرالله جناب ذکرائله خادم، پروفیسور الساندرو بوژانی، هوشنگ محمودی، روح الله مهرباخانی، ابوالقاسم افغان، دکتر محمد افغان، دکتر وحید رأفتی و دکتر موژان مؤمن.

دوم- منابع غیربہائی

از عنوان این بخش روشن است که مراد کتب و مقالات غیربہائیان در خصوص امر مبارک است. این بخش را تحت پنج عنوان: منابع فارسی و عربی، منابع انگلیسی، منابع فرانسوی، منابع روسی و سرانجام منابع آلمانی و اتریشی ادامه می‌دهیم.

نخست - منابع فارسی و عربی

۱- تاریخ قاجاریه معروف به ناسخ التواریخ: مؤلف این تاریخ میرزا محمد تقی خان کاشانی ملقب به لسان الملك و متخلص به سپهر است. وی فرزند میرزا محمد علی کاشانی بود و در سال ۱۲۱۶ هـ. ق. (۱۸۰۱ م.) در کاشان تولد یافت. پس از تحصیلات مقدماتی در آن شهر راهی طهران شد و مطالعات خود را در زمینه، صرف و نحو عربی، منطق، نجوم، ریاضیات، حکمت، کلام، فقه و عروض و قافیه تکمیل نمود. احاطه وی بر معارف یاد شده از محتوای آثارش هویدا است. سپهر به دربار قاجار راه یافت و زمان سه پادشاه، فتحعلی شاه، محمد شاه و ناصرالدین شاه را درک کرد. به امر ناصرالدین شاه ملقب به «لسان الملك» گردید و لکن چون تخلص سپهر داشت حتی شاه نیز او را به نام سپهر مخاطب می‌نمود. سرانجام در سال ۱۲۹۱ هـ. ق. (۱۸۷۴ م.) مستوفی اول دیوان اعلیٰ و به لقب خانی سرافراز گردید. سپهر همچنین از سوی شاه عضو دارالشورای سلطنتی و مأمور تألیف تاریخ قاجاریه گردید. نامبرده در سال ۱۲۹۷ هـ. ق. (حدود ۱۸۷۹ م.) در طهران درگذشت.

از مهم‌ترین آثار او علاوه بر تاریخ قاجاریه و ناسخ التواریخ کتاب جنگ التواریخ، براهین العجم، آئینه، جهان نما، اسرار الانوار و مجموعه‌های اشعار را توان نام برد. اما شهرت سپهر به خاطر تألیف دو کتاب تاریخ قاجاریه و ناسخ التواریخ است. اگرچه تاریخ قاجاریه متمم ناسخ التواریخ تلقی گردیده است ولی اصولاً کتابی است مستقل. کتاب ناسخ التواریخ تنها حاوی تاریخ ظهور آدم تا زمان حضرت خاتم و بیان احوال معصومین تا حضرت امام حسین است و سپهر توفیق نیافته که آن را تمام نماید. زیرا مقصودش نگارش تاریخ تا زمان حیات خودش بوده است. به هر حال معروف است که پسر سپهر عباسقلی خان مجلّات کتاب مشکوة الادب را در متمم ناسخ التواریخ نوشته است و لکن این سخن مبنای محکمی ندارد.

تاریخ قاجاریه بیان احوال خاندان و شاهان قاجار تا سال تألیف آن ۱۲۷۲ هـ. ق. (۱۸۵۵ م.) است. این کتاب همانطور که قبلاً بیان گردید اثری است مستقل از ناسخ التواریخ و لکن نزد غالب پژوهشگران به عنوان مجلد قاجاریه از کتاب ناسخ التواریخ معروف شده است. تاریخ قاجاریه چند

بار تا کنون به طبع رسیده است. در پژوهش حاضر نسخه‌ای از تاریخ قاجاریه مورد استفاده قرار گرفته که توسط محمد باقر بهبودی تصحیح و تحشیه شده و وسیله کتابفروشی اسلامیّه (در طهران) در سال ۱۳۵۳ ه. ش. تحت عنوان مجلّات قاجاریه از کتاب ناسخ التّواریخ به طبع رسیده است. لذا ما نیز در این پژوهش تاریخ قاجاریه را به همان عنوان مجلّات قاجاریه از ناسخ التّواریخ یاد خواهیم کرد.

سپهر اگرچه نویسنده و ادیب بوده و لکن شیوه نگارش ناسخ التّواریخ اصولاً زیبا و شیوا نیست و حاوی عبارات و اصطلاحاتی است که طبع خواننده صاحب ذوق را خوش نمی‌آید. حتی ناصرالدین شاه نیز بدین نکته توجه کرده است. محمد حسن خان اعتماد السّلطنه در خصوص سپهر و شیوه نگارش او چنین می‌نویسد: «... او را باید از فحول رجال ایران دانست. در نویسندگی و سخنوری بحری ذخّار و سپهری دوآر بود. ولی سیاحت و اسلوب او در مذاق مبارک همایونی [ناصرالدین شاه] ستوده نیست. چه بر لغات و الفاظ و عباراتی اشتمال دارد که فقط در اشعار و اشباها استعمال می‌شود.»^{۲۴} مؤلف ناسخ التّواریخ با کمال وقاحت به مقدّسات امر بدیع، به حضرت باب، جناب طاهره، جناب باب‌الباب و دیگر اصحاب خصوصاً نسوان بابی^{۲۵} جسارت نموده و بسیاری از حقایق را واژگون جلوه داده است. حضرت بهاء‌الله در خصوص وقاحت سپهر می‌فرماید: «صاحب ناسخ التّواریخ درباره حضرت اعلیٰ نوشته آنچه را که هیچ زندیقی نوشته.»^{۲۶}

با این همه سپهر در مواضع متعدّد از مجلّات سوم و چهارم تاریخ قاجاریه به نکات بسیار مهمّی اشاره کرده و برخی از حقایق را اعتراف نموده است. برای مثال در مجلد سوم به تصریح می‌نویسد که حضرت باب به اتیان آیات تحدی فرموده (صص ۴۱ و ۱۲۶) و آثار مبارکشان را افسح از قرآن شریف (ص ۴۳) دانسته‌اند. می‌نویسد که حضرت باب با نهایت شجاعت در حضور ولیعهد ایران ناصرالدین میرزا ادعای قائمیت فرموده‌اند (ص ۱۲۸). حتی می‌نویسد که حضرت باب از آغاز ظهور ادعای قائمیت فرموده‌اند (ص ۴۰). به استقامت عظیم اصحاب حضرت باب خصوصاً اصحاب قلعه طبرسی (ص ۲۶۰) و جناب انیس (ص ۳۰۴) اشاره می‌کند. به استقبال اهل کیاست به امر حضرت باب اعتراف می‌نماید (ص ۴۱). به ایمان منوچهر خان معتمدالدوله حاکم مقتدر اصفهان اشاره می‌نماید (صص ۴۷ و ۲۳۴). به جمال و کمال جناب طاهره و احاطه‌اش به معارف اسلامیّه اقرار صریح دارد (ص ۲۱۹).

تاریخ قاجاریه حاوی وقایع عهد اعلیٰ از اظهار امر حضرت باب تا واقعه رمی شاه تقریباً به تفصیل است. واقعه رمی شاه در مجلد چهارم و بقیّه حوادث به ترتیب زمان وقوع در جلد سوم توضیح شده است. سپهر ظاهراً در جمع‌آوری مطالب تاریخیّه خود در خصوص حیات حضرت باب و اصحاب و حوادث مهمّه‌ای چون واقعه طبرسی و محاکمه حضرت باب در تبریز اصولاً از اطلاعات نفوس دخیل در وقایع استفاده کرده است.

به هر حال همانطور که قبلاً بیان شد اعترافات وی به نکات بسیار حسّاسی از تاریخ امر خوشبختانه قابل استناد است. نکته دیگر که آن نیز مهمّ است بیان روز و ماه و سال وقوع

حوادث مربوط به ظهور بدیع در تاریخ قاجاریه است که غالباً می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران قرار گیرد. سپهر در پایان حیات به سوگیری و غرض خویش در نگارش حوادث امر جدید اعتراف نموده و اقدام به جبران آن کرده است. حضرت عبدالبهاء در این خصوص می‌فرمایند:

«مرحوم سپهر بعد از اینکه در تاریخ ناسخ التواریخ خویش به اشنع تعبیرات و اقبیح عبارات از این امر بنگاشت قبل از فوتش به حسب روایات مؤکده رساله‌ای مرقوم نموده و از تاریخ این امر ذکر کرده و نگاشته که آنچه در تاریخ کبیر نوشتم نظر به مقتضیات زمانه و اجبار از خویش و بیگانه بود لهذا مجبورم که حقیقت واقع را بنگارم تا من بعد مورخین در تاریخ من نکته نگیرند و مرا دشمن حقیقت نشمرند. آن رساله الآن موجود ولی هنوز زمان مقتضی نشر آن نیست. عنقریب زمان انتشار آید. او خود را به این عنوان از عتاب اهل حقیقت نجات داد...»^{۲۷}

تحقیقات دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که سپهر در سال‌های آخر زندگی کتابی (احتمالاً به اختصار) حاوی وقایع مربوط به قرن اول هجری تا هنگام سلطنت شاهان قاجار نوشته تا ناسخ التواریخ را تکمیل و رسته، وقایع را به زمان خویش متصل کند ولیکن هنوز نشانی از آن یافت نگردیده است.^{۲۸} شاید این کتاب همان متنی باشد که حضرت عبدالبهاء بدان اشاره فرموده‌اند.

۲- روضة الصّفاى ناصری: این کتاب تألیف رضا قلی خان هدایت است. اصل کتاب روضة الصّفاء به قلم محمد بن خاوند شاه ابن محمود و معروف به میرخواند (متوفی به سال ۹۰۴ ه. ق. برابر با ۱۴۹۸ م.) است.^{۲۹} این کتاب در تاریخ اسلام و ایران تا ایام سلطان حسین بایقرا و در هفت مجلد است. رضا قلی خان هدایت سه مجلد دیگر بر آن افزوده و وقایع تاریخ ایران را تا ایام خویش به نگارش درآورده است. رضا قلی خان در سال ۱۲۱۵ ه. ق. (۱۸۰۰ م.) در طهران تولّد یافت.^{۳۰} چون پدرش محمد هادی خان به شیراز رفت وی را نیز همراه خود برد. هدایت نخست در شیراز به تحصیل مقدمات اشتغال یافت و بعدها در طهران به تکمیل آن پرداخت. هنوز در شیراز بود که از فتحعلی شاه لقب امیر الشعراء گرفت.

در ایام سلطنت محمد شاه به طهران رفت و لله، ولیعهد زمان (عبّاس میرزا) گردید و بدین جهت به للهباشی شهرت یافت. چون در سال ۱۲۶۷ ه. ق. (۱۸۵۱ م.) دارالفنون طهران افتتاح شد نامبرده به ریاست آن منصوب گردید. رضا قلی خان در سال ۱۲۸۸ ه. ق. (۱۸۷۱ م.) در طهران درگذشت. آثار متعدّده از وی باقی است. از میان مشهورترین کتب او علاوه بر روضة الصّفاى ناصری و مجموعه‌های اشعار توان از اجمل التواریخ، انجمن‌آرای ناصری، ریاض العارفين، مجمع الفصحاء و بالاخره نژادنامه یاد کرد. کتاب نژادنامه (خطی) از جمله به شجره‌نامه، خاندان جناب میرزا بزرگ وزیر نوری (والد جمال ابهی) اشارت دارد و بیان می‌نماید که این خاندان از اولاد شاهنشاهان ساسانی‌اند. هدایت در روضة الصّفاى ناصری تقریباً همان شیوه غرض‌آلود سپهر کاشانی را به کار برده و با نهایت وقاحت به مقدّسات امر مبارک حمله نموده و بسیاری از حقایق را واژگون جلوه داده است. با وصف این نکات مثبتی که در باب تاریخ قاجاریه (ناسخ التواریخ) از

پیش بیان شد در خصوص روضة الصّفاى ناصرى نیز صادق است.

۳- حقایق الاخبار ناصرى: این کتاب تألیف میرزا محمد جعفرخان حقایق‌نگار است. وی در سال ۱۲۲۵ هـ. ق. (۱۸۱۰ م.) در شیراز تولّد یافت. در جوانی مدتی ضابط و کلانتر خورموج و وطن اجدادی خود بود. سپس به شیراز رفت و به امارت دیوانخانه، عدلیه منصوب گردید. در سال ۱۲۷۶ هـ. ق. (۱۸۵۹ م.) به طهران رفت و از سوی ناصرالدین شاه مأمور نگارش تاریخ سلطنت وی شد و در سال بعد به دستور شاه ملقب به حقایق‌نگار گردید. نامبرده در ایام اخیر زندگی در عراق بود و در آنجا به سال ۱۳۰۱ هـ. ق. (۱۸۸۲ م.) درگذشت.

حقایق‌نگار اهل علم و ادب و تا حدودی تاریخ‌نگاری بود. از وی علاوه بر کتاب حقایق الاخبار ناصرى دو کتاب نزهة الاخبار و حقایق المصیبة باقی است. کتاب حقایق الاخبار که حقایق التّاریخ نیز خوانده شده به دستور ناصرالدین شاه تألیف گردیده است. مؤلف در این خصوص در مقدمه کتاب می‌نویسد که شاه «فرق مباهاتم بر فرق فرقدان برافراشت و به ضبط تاریخ دولت ابد مدّت خویش مأمورم داشت. ولی مقرر شد که خالی از خرافات منشیانه و جزافات مترسلانه طریق صدق و صواب پوی و جز از راستی و انصاف مگوی. خائن را خادم مدار... حقایق‌نگاری کن نه طریق تلقّی‌سپاری.» مؤلف که قصد داشته جلد دوم کتاب را نیز تألیف نماید توفیق نیافته است.

به هر حال کتاب حقایق الاخبار سرانجام مورد پسند عمال حکومت قاجار قرار نگرفت و بیشتر نسخ آن پس از طبع مضبوط گشت. با تأسّف باید گفت که حقایق‌نگار «طریق صدق و صواب» نپیموده و با لحنی وقیح واقعیّات را واژگون بیان نموده است. با وجود این ناخودآگاه به برخی از دقائق و حقائق مربوط به تاریخ عهد اعلیٰ اشاره کرده است. چنانکه ضمن بیان واقعات سال‌های ۱۲۶۵-۱۲۶۶ هـ. ق. در خصوص حضرت باب می‌نویسد: «زیرا که مادام حیات دست از ادّعی رسالت... بر نمی‌داشت.» و نیز پس از بیان واقعات سال‌های ۱۲۶۲-۱۲۶۴ هـ. ق. در خصوص جناب طاهره می‌نویسد: «با وجود حسن و جمال و غنج و دلال در علوم معقول و منقول به حدّ کمال بود.»

۴- مرآت البلدان ناصرى: این کتاب (ظاهراً) نوشته محمد حسن خان اعتماد السلطنه است. وی فرزند حاج علی خان حاجب الدوله (اعتماد السلطنه) بود و در سال ۱۲۵۹ هـ. ق. (۱۸۴۳ م.) تولّد یافت. در نه سالگی به مدرسه دارالفنون رفت و دوازده سال در آن معهد علمی در رشته زبان فرانسه و فنون پیاده نظام تحصیل نمود. سال‌ها مشاغل دولتی داشت تا جنرال آجودان ناصرالدین شاه گردید. چند سال به فرانسه رفت و پس از برگشت ابتداء پیشخدمت شاه و سپس مترجم مخصوص او شد و سرانجام رئیس دارالطبّاعه و دارالترجمه دولتی گردید. تألیفات متعدّده از محمد حسن خان باقی است. برخی گفته‌اند که غالب این تألیفات از دیگران بوده و نامبرده از آنان خریده و یا به زور گرفته و به نام خود منتشر نموده است.

به هر حال چهار کتاب از آثار او حاوی شرح برخی از حوادث امری و حیات تنی چند از اصحاب عهد اعلیٰ است و آنها عبارتند از مرآت البلدان، منتظم ناصرى، المآثر و الآثار و مطلع الشّمس. محمد حسن خان در آغاز لقب صنیع الدوله داشت و در سال ۱۳۰۴ هـ. ق. (۱۸۸۶ م.) لقب

اعتماد السلطنه یافت. نامبرده در سال ۱۳۱۳ ه. ق. (۱۸۹۵ م.) چشم از جهان فرو بست. کتاب مرآت البلدان در چهار مجلد و در فاصله سال‌های ۱۲۹۴-۱۲۹۷ ه. ق. (۱۸۷۷-۱۸۷۹ م.) انتشار یافته است. در مجلد نخست که تا پایان سلطنت محمد شاه را فراگرفته تنها اشاره مختصری (در ص ۵۹۰) به ظهور حضرت باب گردیده است. علت آن را در آغاز مجلد دوم و تحت عنوان «شرح فتنه، طائفه، بایئه» چنین می‌نویسد: «اگرچه تمامی فتنه، طائفه، مزبوره متعلق به این سال [۱۲۶۴ ه. ق. و آغاز پادشاهی ناصرالدین شاه] نیست بلکه بعضی به سال‌های سابق و برخی به لاحق تعلق دارد ولی محض اینکه رشته، مطلب گسسته نشود این غائله را به آسرها در این مورد می‌نگارد.»^{۳۱} مؤلف سپس به بیان وقایع مربوط به ظهور بدیع می‌پردازد. در مجلد سوم و چهارم نیز گاه برخی نکات مربوط به امر مبارک مذکور گشته اما عمده، مطلب در همان مجلد دوم آمده است. اعتماد السلطنه نیز چون مورخان غیربھائی یاد شده با وقاحت به امر بدیع حمله کرده و حقایق غالب وقایع را تحریف نموده است. ولکن در برخی از مواضع می‌توان به مندرجات کتاب استناد نمود. در جلد سوم تاریخ منتظم ناصری نیز اعتماد السلطنه به اهم حوادث عهد اعلیٰ چون اظهار امر حضرت باب، وقایع طبرسی، نیریز و زنجان و واقعه، رمی شاه اشاره کرده است. آنچه در باب کتاب مرآت البلدان ناصری گفته شد در خصوص محتوای این کتاب نیز صادق است.

۵- کتاب متنبیین: این متن تألیف شاهزاده علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه فرزند فتحعلی شاه قاجار است. اعتضاد السلطنه در سال ۱۲۳۴ ه. ق. (۱۸۱۸ م.) تولد یافت. دوران کودکی و جوانی را به تحصیل معارف زمان مصروف داشت و سپس وارد خدمت دربار گشت. در سال ۱۲۷۲ ه. ق. (۱۸۵۵ م.) از سوی ناصرالدین شاه لقب اعتضاد السلطنه یافت و دو سال بعد به ریاست مدرسه دارالفنون منصوب گردید. از آن پس راه ترقی پیمود تا وزیر علوم شد. وی در سال ۱۲۹۸ ه. ق. (۱۸۸۰ م.) درگذشت. اعتضاد السلطنه مؤلف چند کتاب است ولکن جز بخشی از کتاب متنبیین هیچ یک از آنها ارتباطی با تاریخ امر ندارد. کتاب مذکور چنانکه از عنوانش روشن می‌شود شرح زندگی برخی از مدعیان نبوت است و به گمان مؤلف حضرت باب نیز یکی از آن مدعیان است. بخش مورد بحث از کتاب متنبیین حاوی شرح اهم حوادث عهد اعلیٰ چون اظهار امر حضرت باب، وقایع طبرسی و نیریز و زنجان، واقعه، شهدای سبعه، طهران، محاکمه حضرت باب در تبریز، شهادت آن حضرت و واقعه، رمی شاه است.

از معایب و کاستی‌های کتاب لحن مغرضانه و متعصبانه، مؤلف است اگرچه گاه به ظاهر تلاش نموده که خود را بی‌طرف جلوه دهد. این غرض و تعصب غالباً حقایق تاریخی را تحریف نموده است. با وجود این چون اعتضاد السلطنه خود شاهد برخی از وقایع عهد اعلیٰ بوده ناخودآگاه به حقایق مهم‌های اعتراف کرده است که کاملاً قابل استناد است. صرف نظر از قسمت‌هایی که از تواریخ عصر قاجار خصوصاً نسخ التواریخ و روضه الصفا ناصری گرفته شده و حاوی مصطلحات نامأنوس است اصولاً نوشته، خود اعتضاد السلطنه ساده و گویاست. بخش مربوط به حیات حضرت باب و اصحاب از کتاب متنبیین در بیش از پنجاه صفحه وسیله، عبدالحسین نوائی انتشار یافته است. نوائی علاوه بر زیرنویس‌های صفحات متن اصلی هفتاد صفحه بر آن متن افزوده که حاوی برخی

توضیحات و سه مقاله، مفصل در خصوص حضرت باب و جمال ابهی^۱ و برخی از اصحاب آن دو بزرگوار و نیز زندگی ازل و دعاوی اوست. نوشته، نوائی مغرضانه‌تر از متن اصلی و حاوی اشتباهات متعدد تاریخی است.

۶- **مفتاح باب الابواب**: این کتاب به عربی و تألیف دکتر محمد مهدی خان زعیم الدوله (همچنین ملقب به رئیس الحکماء) فرزند ملا محمد تقی است. زعیم الدوله مقیم قاهره و مدیر نشریه، فارسی حکمت بود که هر ماه دو بار انتشار می‌یافت. وی گاهی نیز برخی مقالات در خصوص امر مبارک در مصر منتشر می‌نمود. در سال ۱۳۱۰ ه. ق. (۱۸۹۳ م.) کتاب **مفتاح باب الابواب** را که به قول خودش تلخیصی از کتاب بزرگ‌تر او **باب الابواب** بود تألیف نمود. این کتاب رده در سال ۱۳۲۱ ه. ق. (۱۹۰۳ م.) وسیله، مطبعه المنار انتشار یافت. کتاب مذکور بعداً تجدید طبع شده و به فارسی نیز ترجمه گردیده است. زعیم الدوله پیش از طبع کتاب به حضور حضرت عبدالبهاء عریضه‌ای نوشت و به صورت تهدید درخواست وجهی نمود تا از انتشار آن خودداری کند. چون پاسخ مساعدی نیافت با کمال خشم آن را منتشر نمود. **مفتاح باب الابواب** حاوی تاریخ دو عهد اعلیٰ و ابهی^۱ است. زعیم الدوله برخی از نبوات و انذارات مندرج در آثار مبارکه و از جمله کتاب **اقدس** را به منظور استهزاء و تخریب بنیان امر در کتاب مذکور نقل نموده است.^{۲۳}

وی از انتشار کتاب نتیجه، معکوس گرفت و بی‌نهایت شرم‌منده شد. زیرا انذارات و نبوات مورد بحث مصداق یافت و تحقق آن موجب سرور قلوب احباء و هدایت گروهی از نفوس غیربهای گردید. زعیم الدوله چند سال پس از انتشار کتابش با نهایت خسران در مصر وفات یافت. وی افتخار تشرّف به حضور جمال ابهی^۱ و حضرت عبدالبهاء داشته و با یحیی^۱ ازل نیز در قبرس ملاقات کرده است. کتاب **مفتاح باب الابواب** حاوی برخی از نکات مهمه، تاریخیه، دیگر نیز هست. خصوصاً اعترافات پدر (و پدر بزرگ) مؤلف در خصوص استقامت بی‌نظیر حضرت باب تا پایان حیات مبارک و سرانجام شهادت آن حضرت قابل توجه پژوهشگران است.

۷- نوشته، حاج میرزا احمد ایشیک آقاسی: حاج میرزا احمد فرزند حاج ابوالحسن تاجر شیرازی بود و در سال ۱۲۴۱ ه. ق. (۱۸۲۵ م.) در شیراز تولّد یافت. در آغاز جوانی در شیراز و در یزد به تجارت پرداخت. چند سال کدخدای محله میدان شاه در شیراز بود. سپس همراه حسام السلطنه به خراسان رفت و به سمت ایشیک آقاسی‌باشی منصوب گردید. مدتی در یزد منصب امیر دیوانی و سال‌های بعد در مناطق دیگر ایران مناصب مختلف داشت تا در سال ۱۲۹۸ ه. ق. (۱۸۸۰ م.) به شیراز برگشت و سال‌ها در آن شهر زیست نمود. وفات او در فاصله سال‌های ۱۳۱۰-۱۳۱۳ ه. ق. (۱۸۹۲-۱۸۹۵ م.) بوده است. از آثار وی علاوه بر اشعار و نوشته، مورد بحث دو کتاب تاریخ یزد (**اخبار الیزد**) و **حدیقه الشعراء** را توان نام برد.^{۲۴}

از قرائن معلوم می‌شود که خاندان حاج میرزا احمد با خاندان حضرت باب آشنائی و معاشرت داشته‌اند. پدر حاج میرزا احمد، حاج ابوالحسن شیرازی در سفر حجّ به حضور حضرت باب شرفیاب شده و بی‌نهایت تحت تأثیر قرار گرفته و بعداً در شیراز به آن حضرت مؤمن گشته است.

حاج میرزا احمد فرزند او اگرچه به حضور حضرت باب رسیده و لکن مؤمن نشده و هرچه مقامات آن حضرت بارزتر گشته بر تردید و اعراض وی افزوده است. این نکته از محتوای نوشته او به خوبی روشن می‌شود. نامبرده طی سال‌ها مواد لازم برای تاریخ خود را فراهم کرده و تألیف کتاب را در سال ۱۲۸۶ ه. ق. (۱۸۶۹ م.) به پایان برده است. متن اصلی نوشته مورد بحث تا کنون انتشار نیافته^{۳۵} و لکن آقا میرزا محمد خان بهادر بخش‌هایی از نوشته مذکور را که به حوادث ظهور بدیع ارتباط داشته به انگلیسی ترجمه نموده و این ترجمه در نشریه انجمن سلطنتی آسیائی (Journal of the Royal Asiatic Society) انتشار یافته است.^{۳۶} نیم صفحه از کتاب مورد بحث به خط مؤلف در نشریه مذکور کلیشه شده است.

به طوری که خان بهادر می‌نویسد نسخه خطی کتاب حاوی ۱۳۵ صفحه و هر صفحه سی و دو سطر است. حاشیه غالب صفحات همراه توضیحات اضافی است. در این کتاب مؤلف به اختصار و به زبانی ساده به بیان حوادث مربوط به ایام سلطنت شاهان قاجار (تا سال ۱۲۸۶ ه. ق. برابر با ۱۸۶۹ م.) پرداخته و همانطور که گفته شد خان بهادر بخش‌هایی از آن را که ارتباط با تاریخ عهد اعلیٰ داشته به انگلیسی ترجمه کرده است. مؤلف در مقدمه اظهار می‌دارد که منبع اطلاعات او در نگارش کتاب، کتب تواریخ عصر قاجار و مشاهدات شخصی خودش بوده است.

کتاب تا آنجا که ارتباط با وقایع امر بدیع دارد حاوی اشتباهات متعدده است و در غالب حوادث مهم با محتوای تواریخ موقت امری چون تاریخ نبیل زرنندی تطابق ندارد. کیفیت تشرّف ملاً حسین به حضور حضرت باب در شیراز و ایمان او، داستان ایام انفراد حضرت باب در شیراز، داستان مسجد وکیل و ارتقاء آن حضرت بر منبر، کیفیت سفر حضرتشان به اصفهان، مسجونیت و شهادت آن حضرت در آذربایجان و وقایع طبرسی، نیریز و زنجان همه آکنده از اشتباهات آشکار است. نکته عجیب‌تر آنکه مؤلف در بیان سال‌های مربوط به حدوث وقایع مذکوره اصولاً اشتباه کرده است. با وجود این اعتراف وی به معصومیت و مظلومیت حضرت باب خصوصاً در ایام نوجوانی و جمال و کمال جناب طاهره قابل استناد است. مؤلف در کتاب حدیقه الشعراء نیز در باب جناب طاهره مطالبی نوشته است. یکی از دیگر نکات مهمه در تاریخ حاج میرزا احمد اعتراف وی بدین امر است که حضرت باب از آغاز ظهور قصد نسخ شریعت اسلام داشته‌اند و این نکته دلالت بر استقلال ظهور آن حضرت از همان روزهای نخستین دارد.

۸- فارسنامه ناصری: این اثر نوشته حاج میرزا حسن فسائی است. نامبرده در سال ۱۲۳۷ ه. ق. (۱۸۲۱ م.) تولّد یافت. سال‌ها در شیراز و اصفهان به تحصیل معارف اسلامی پرداخت. وی مردی ادیب، شاعر و دانشمند بود و در تفسیر قرآن شریف، علم طب، تاریخ و ریاضیات تتبع و تحقیق فراوان نموده بود به طوری که برخی از معاصرانش به شدت به وی حسد می‌ورزیدند. فسائی در سال ۱۳۱۶ ه. ق. (۱۸۹۸ م.) در شیراز درگذشت.

کتاب فارسنامه ناصری چنانکه در مقدمه آن (صص ۲-۳) تصریح شده به دستور ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۴ ه. ق. (۱۸۸۶ م.) تألیف گردیده و در سال ۱۳۱۳ ه. ق. (۱۸۹۵ م.) در طهران انتشار یافته است. این کتاب شامل دو گفتار (دو جلد) است. گفتار نخست که در ۳۴۷

صفحه است حاوی وقایع فارس به اختصار از سال دهم ه. ق. برابر با ۶۲۲ م. تا سال ۱۳۰۰ ه. ق. (۱۸۸۲ م.) است. لذا حاوی شرح کوتاهی در خصوص وقایع مربوط به امر بدیع در فارس است. گاه به وقایع دیگری نیز چون واقعه رمی شاه اشاره دارد.

این گفتار همچنین شامل برخی از دقایق است که می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران بهائی قرار گیرد. برای مثال ضمن واقعات سال ۱۲۵۱ ه. ق. (۱۸۳۵ م.) و شرح قتل میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی و صدارت حاج میرزا آقاسی، فسائی (ص ۲۹۰ و بعد) می‌نویسد: «پس وزارت عظمی به جناب قطب الاقطاب حاجی میرزا عباس ایروانی مشهور به حاجی میرزا آقاسی که پادشاه جمجاه آن جناب را قطب فلک شریعت و مرکز دائره، طریقت می‌دانست برقرار گردید... [محمد شاه] تکالیفی را که از لوازم منصب وزارت است از آن جناب نخواست و مقالات او را بر کلمات هرکس مقدم می‌داشت. هرچه را می‌گفت شاهنشاهش می‌پذیرفت.» این گفتار به شرح شهادت برخی از شهدای جاودانه، امر چون جناب سلیمان خان تبریزی و جناب عظیم و نیز احوال برخی از مخالفان آن چون حسین خان حاکم فارس و شیخ حسین ناظم الشریعه اشاره دارد. مؤلف ضمن بیان واقعه نیریز تلاش می‌کند علت همراهی مردم را با جناب سید یحیی دارابی (وحید) مکانت پدرش سید جعفر کشفی بداند (ص ۲۰۴).

گفتار دوم فارسی‌نامه در خصوص جغرافیای فارس و شرح احوال علماء، شعراء، تجار و دیگر بزرگان آن اقلیم است. بنا بر این اشارات متعدده به احوال گروهی از اصحاب حضرت باب خصوصاً منسوبان مبارک دارد. در این گفتار پیشینه، برخی از اماکن متبرکه، امری چون شاه‌چراغ شیراز (مدفن حرم حضرت باب و تنی چند از افنان و اصحاب اولیّه)، بقعه بی‌بی دختران (مدفن قبلی احمد فرزند حضرت باب)، مسجد نو (محل اقامه اذان بابی وسیله جناب مقدس) و مسجد ایلخانی (محل اقامت جناب باب الباب و برخی از حروف حی در سال اول ظهور مبارک) بیان گردیده است.

۹- روضات الجنات: این کتاب^{۲۷} به عربی و مؤلف آن میرزا محمد باقر چهارسوئی فرزند حاج میرزا زین العابدین موسوی خوانساری است. تولد میرزا محمد باقر در سال ۱۲۲۶ ه. ق. (۱۸۱۱ م.) واقع گشت. سالها در معارف اسلامی و ادب فارسی و عربی تحصیل و تتبع نمود و از محضر استادانی چون سید محمد باقر شفتی استفاده کرد. میرزا محمد باقر اصولاً ساکن اصفهان بوده و تألیفات متعدده از وی باقی مانده است. نامبرده در سال ۱۳۱۳ ه. ق. (۱۸۹۵ م.) درگذشت. میرزا محمد باقر در مجلدات چهارگانه کتاب روضات الجنات ضمن بیان احوال علماء اسلام اشارات متعدده به امر بدیع و احوال اصحاب اولیّه نموده است. این اشارات حاوی نکات دقیقه‌ای است که پژوهشگران را بسیار به کار آید. تجلیل و فیر میرزا محمد باقر از مقامات علمی و عرفانی جناب شیخ احمد احسائی یکی از نکات جالب مندرج در این کتاب است.^{۲۸}

۱۰- مکارم الآثار: این کتاب تألیف میرزا محمد علی معلم حبیب‌آبادی است. وی در سال ۱۳۰۸ ه. ق. (۱۸۹۱ م.) در قریه حبیب‌آباد نزدیک اصفهان تولد یافت. اجداد وی همه از زارعین بوده‌اند. نامبرده ابتداء در موطن خویش و سپس در اصفهان به تحصیل معارف اسلامی پرداخت.

سالها به تدریس و تألیف اشتغال داشت و چندین کتاب از خویشتن به یادگار گذاشت. میرزا محمد علی در سال ۱۳۹۶ هـ. ق. (۱۹۷۶ م.) درگذشت. در مجلدات کتاب مکارم الآثار احوال دهها تن از علماء و رجال ایران و جهان اسلام خصوصاً در عصر قاجار بیان گردیده است. از میان نفوسی که حیاتشان به نحوی با امر مبارک ارتباط دارد و احوالشان در این کتاب آمده شاهزاده محمد رضا میرزا و دخترش جناب فتنه، میر محمد صادق مدرس خاتون آبادی، جناب شیخ مرتضیٰ انصاری، ملا محمد تقی هروی، حاج محمد مهدی حجاب شیرازی، جناب ملا حسین بشرویه‌ای، جناب میرزای شیرازی، شیخ محمد باقر نجفی (ذئب)، حاج محمد کریم خان کرمانی، جناب شیخ احمد احسائی، میر سید محمد سلطان العلماء امام جمعه اصفهان، شیخ هادی نجم آبادی، جناب حاج سید کاظم رشتی، شیخ محمد تقی نجفی (ابن الذئب)، ملا محمد تقی برغانی، جناب حاج عبدالوهاب قزوینی، جناب شیخ الرئیس ابوالحسن میرزا، جناب شوریده، شیرازی (فصیح الملک)، میرزا حسن گوهر، جناب سید جعفر کشفی، ملا محمد مقانی، قآنی، سعید العلماء بارفروشی، ملا محمود نظام العلماء و جناب شیخ ابوتراب امام جمعه شیراز را توان نام برد.

۱۱- المآثر و الآثار: این کتاب چنانکه از پیش آمد تألیف محمد حسن خان اعتماد السلطنه است. در این کتاب نیز احوال برخی از علماء و رجال مرتبط با امر مبارک (از اصحاب و اعداء) بیان گردیده که از میان آنان شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر الکلام)، جناب شیخ مرتضیٰ انصاری، جناب میرزای شیرازی، ملا عبدالخالق یزدی، ملا علی کنی، شیخ عبدالحسین طهرانی، شیخ محمد باقر اصفهانی، ملا تقی برغانی، حاج محمد کریم خان کرمانی، شیخ هادی نجم آبادی، سعید العلماء، شیخ فضل الله نوری، جناب میرزا عبدالوهاب قزوینی (برادر جناب طاهره) را توان نام برد.

۱۲- قصص العلماء: این کتاب تألیف میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی است. وی از شاگردان سید ابراهیم موسوی قزوینی (صاحب طوابع الاصول) و از فقها و نویسندگان عهد ناصرالدین شاه بود. وفاتش به سال ۱۳۰۲ هـ. ق. (۱۸۸۴ م.) در قریه سلیمان آباد (مازندران) واقع گشت. از مهم‌ترین آثار تنکابنی علاوه بر قصص العلماء می‌توان توشیح التفاسیر، اسرار المصائب، تذکره العلماء، زاد المسافین و لسان الصدق را نام برد. کتاب قصص العلماء همانگونه که از عنوانش روشن است بیان احوال علماء است. مؤلف به نام و حیات دهها تن از علماء اسلام اشاره کرده است. ضمن شرح زندگی جنابان شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی عقاید آن دو بزرگوار را نقد و به گمان خویش رد کرده است.

تنکابنی همچنین به رد عقاید حاج محمد کریم خان کرمانی پرداخته و او را مردی کم اطلاع دانسته است. مؤلف به تفصیل به شرح حال و داستان قتل ملا تقی برغانی و بیان احوال برادران برغانی و جناب طاهره پرداخته است. ضمناً صفحات متعدده از کتاب را به شرح حیات حضرت باب (از جمله آیام اقامت در کربلا و بوشهر و محاکمه، آن حضرت در تبریز و آیام سجن آذربایجان) اختصاص داده و به زعم خویش عقاید و دعاوی آن حضرت را مردود دانسته است. با

وجود این در خلال گفتار به نکات دقیقه‌ای نیز اعتراف کرده که می‌توان بدانها استناد نمود.

۱۳- روزنامه، وقایع اتفاقیه: این روزنامه به دستور میرزا تقی خان امیرکبیر نخستین بار در سال ۱۲۶۷ ه. ق. (۱۸۵۱ م.) در طهران انتشار یافت و سال‌ها پس از مرگ وی (تا سال ۱۲۷۷ ه. ق. برابر با ۱۸۶۰ م.) نیز طبع آن ادامه داشت. شماره‌های ۸۰، ۸۱ و ۸۲ روزنامه، وقایع اتفاقیه حاوی نکات مهمه‌ای در خصوص واقعه، رمی شاه است. امیرکبیر از برجیس صاحب انگلیسی (از خادمان قبلی عباس میرزا و مدیر چاپخانه، تبریز) برای ترجمه و تهیه اخبار و انتشار این روزنامه استفاده کرد. برجیس صاحب با زبان فارسی به خوبی آشنا نبود لذا شیوه نگارش و ترجمه او نارسا و گاهی بی‌معنی بود. از این روزنامه با همین نام ۴۷۰ شماره انتشار یافت و سپس نامش تغییراتی نمود.^{۳۹}

۱۴- آثار محمد قزوینی: قزوینی از پژوهشگران برجسته ایران زمین در نیمه نخست قرن بیستم است. وی در سال ۱۲۹۴ ه. ق. (۱۸۷۷ م.) در طهران تولد یافت و پس از تحصیلات مقدماتی به فرا گرفتن معارف اسلامی پرداخت و در حکمت و کلام و ادب مردی صاحب نظر گردید. وی سال‌ها در اروپا و از جمله لندن و پاریس اقامت داشت و با برخی از خاورشناسان مشهور جهان چون ادوارد براون و مینورسکی آشنا شد و همکاری نمود. از قزوینی آثار متعدده باقی است که اصولاً حاوی تصحیح دواوین و آثار شعراء و کتب تاریخی و یا نگارش مقدمه بر آنها است. مقالات و یادداشت‌های او که به طبع رسیده حاوی دهها نکته مهم تاریخی مربوط به امر مبارک است.

اگرچه قزوینی گاه با نیات ادوارد براون و برخی از ازیلیان موافقت و با آنان همراهی نموده و لکن آثارش به طور کلی قابل استناد است. به عبارت دیگر محتوای آثارش درباره امر مبارک (خصوصاً احوال برخی از مشاهیر بابیان و بهائیان) برای پژوهشگران قابل استفاده است. اعتراف وی به احاطه علمی حضرت عبدالبهاء و مقامات فضل و دانش جناب ابوالفضائل از جمله نکات قابل توجه در آثار اوست. قزوینی در سال ۱۹۴۹ م. در طهران درگذشت.

۱۵- لغت نامه، دهخدا: این لغت نامه تألیف علی اکبر دهخدا است. باید توجه داشت که دکتر محمد معین و دهها تن از دانشمندان و پژوهشگران ایرانی نیز طی سال‌ها به تکمیل آن پرداخته‌اند. ولی کار اصلی را دهخدا کرده است. دهخدا در سال ۱۲۹۷ ه. ق. (۱۸۷۹ م.) در طهران تولد یافت. در آغاز نزد استادان زمان به تحصیل فنون ادب و معارف دینی پرداخت. چند سال در اروپا بسر برد. کار اصلی او در آغاز در ایران و اروپا روزنامه‌نگاری بود و سپس به تحقیق و تألیف پرداخت. از آثار مهم وی علاوه بر لغت نامه، امثال و حکم و تصحیح دیوان‌های ناصر خسرو، حافظ، منوچهری، مسعود سعد، ابن یمین و نیز تصحیح دو کتاب لغت فرس اسدی و صحاح الفرس است. از دهخدا دهها مقاله و نیز دیوان اشعار او باقی است. نامبرده در سال ۱۳۳۴ ه. ش. (۱۹۵۵ م.) در طهران درگذشت.

لغت نامه، دهخدا از جمله در پنجاه جلد بزرگ انتشار یافته است. دهخدا برای تألیف این لغت نامه چهل سال زحمت کشیده است. البته همانطور که مذکور آمد نفوس متعدده در تکمیل آن

همت کرده‌اند و لکن کار اساسی از خود او بوده است. در لغت نامه شرح حیات طلعات مقدسه، بهائی و بسیاری از رجال برجسته، بهائی (و بابی) آمده است. مفصل‌ترین بحث در این کتاب ذیل لفظ «باب» است. اگرچه برخی از مآخذ لغت نامه در خصوص تاریخ امر (خصوصاً حیات حضرت باب) موثق تلقی نمی‌شوند و کتاب حاوی اشتباهات متعدده است با وجود این محتوای آن غنی است و برای پژوهشگر بهائی نیز منبع مهمی محسوب می‌گردد.

۱۶- دیگر منابع غیر امری فارسی و عربی: دهها کتاب، فرهنگ و مقاله حتی کتب ردیه دیگر نیز باید در این مقام مورد بررسی قرار گیرند و لکن پژوهش حاضر گنجایش ندارد. آثار حاج محمد کریم خان کرمانی، مرتضی مدرس چهاردهی، عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، نوشته ابن آلوسی در باب جناب طاهره، کتاب البابیون و البهائیون فی حاضرهم و ماضیهم، دائرة المعارف فرید وجدی، فرهنگ معین از آن جمله‌اند.

دوم- منابع انگلیسی

۱- آثار پروفسور براون: ادوارد گرنویل براون (Edward Granville Browne) خاورشناس برجسته انگلیسی و استاد زبان‌های شرقی دانشگاه کیمبریج انگلستان بیش از هر پژوهشگر غیربهائی دیگری در خصوص شرح حیات و آثار حضرت باب (و نیز امر بهائی) مطالعه و تحقیق کرده است. براون در هفتم فوریه، سال ۱۸۶۲ م. تولد یافت و پس از تحصیلات مقدماتی و عالی خود دوران دانشکده پزشکی را نیز تمام کرد و لکن بعداً به علت عشق به فرا گرفتن زبان‌های شرقی خصوصاً فارسی، عربی و ترکی و مطالعه در زمینه فرهنگ و دین مردم خاور حرفه پزشکی را رها کرد. پس از مطالعه کتاب گوپینوی فرانسوی (مذاهب و فلسفه در آسیای وسطی) مشتاق پژوهش در خصوص آئین بابی شد^{۴۰} و از آن پس تا پایان حیات، عمده اوقات خویش را در این زمینه مصروف داشت.

شوق دیدار خاک ایران و ملاقات با بابیان (بهائیان) و نیز عشق به زبان فارسی موجب شد که به ایران رود و قریب یازده ماه بسیاری از نقاط آن سرزمین را ببیند و با مردم آن دیار خصوصاً مؤمنان به امر بدیع معاشرت و مصاحبت داشته باشد. شرح مسافرت و وقایع مربوط به آن از جمله در کتابش *یک سال در میان ایرانیان (A Year Amongst The Persians)* آمده است.^{۴۱} پروفسور براون در سال ۱۸۹۰ م. در قصر بهجی به حضور حضرت بهاء‌الله بار یافت. داستان چهار بار تشریف خویش را در آثار خود شرح داده است. تصویر او از جمال ابهی هنگام تشریف به حضور مبارک در مقدمه ترجمه انگلیسی مقاله شخصی سیاح و به فارسی در مقدمه کتاب *نقطه الکاف* آمده است.^{۴۲} براون در آن سال با میرزا یحیی ازل نیز در قبرس ملاقات کرد. در سال ۱۸۹۶ م. این ملاقات تجدید شد. مکاتبات براون با ازل و ازلیان و حمایت وی از آنان نکته‌ای است که خود او بارها تصریح کرده است.

براون با حضرت عبدالبهاء تا اوائل عهد میثاق مکاتبه داشته و در ارض اقدس و در اروپا به حضور آن حضرت شرفیاب شده است. با آنکه براون با برخی از دشمنان امر بهائی دوستی نزدیک

داشته و از وصایت مجموعه، ازل و برخی از دعاوی واهی ازلیان حمایت نموده و آثارش حاوی اشتباهات متعدده است با وجود این تألیفات وی حاوی اطلاعات جالبی در خصوص امر بدیع است. جان کلام همان است که محقق فقید ارجمند ایادی امرالله جناب بالیوزی فرموده است و هیچ يك از دانشمندان غربی چون براون مواد لازمه تاریخی در خصوص امر بدیع برای نسل‌های آینده به یادگار نگذارده‌اند. بدین روی بی‌تردید اهل بهاء باید عمیقاً از نامبرده سپاسگزاری نمایند.^{۴۳} پروفسور براون در پنجم ژانویه، سال ۱۹۲۶ م. در کیمبریج انگلستان درگذشت. براون کتب و مقالات متعدده در خصوص امر بدیع فراهم و منتشر کرد. دهها توفیق مبارک حضرت باب و نیز آثار جمال ابهی^۱ و حضرت عبدالبهاء و مدارک مهمه‌ای را در گنجینه‌های خویش محفوظ داشت. در اینجا به اهم آثار او اشارت می‌کنیم:

مقاله شخصی سیاح (A Traveller's Narrative)؛^{۴۴} این کتاب در دو جلد و در سال ۱۸۹۱ م. انتشار یافته و بعدها تجدید طبع گردیده است. جلد نخست حاوی اصل مقاله شخصی سیاح اثر قلم حضرت عبدالبهاء است (که قبلاً در بخش منابع امری از آن سخن گفته‌ایم) و به خط جناب زین المقریین است. جلد دوم شامل ترجمه انگلیسی مقاله شخصی سیاح، يك مقدمه بسیار مهم و بیست و شش یادداشت در باب مواد تاریخیه، مربوط به ظهور بدیع است. در آغاز مقدمه براون می‌نویسد: «این کتاب حاوی تاریخ دیانتی است که پیروان آن تحت تعقیب و شکنجه و آزارند. مؤلف کتاب نیز یکی از همان مظلومان است. پس از قریب پنجاه سال تحمل سکوت سرانجام دلائل حقیقت و سرگذشت دیانت خویش را بیان نموده‌اند. من ترجمان ندای آن مظلومانم» (p. vii).^{۴۵} مقدمه کتاب حاوی مسائل بسیار مهم و از جمله داستان تشرّف براون به حضور جمال ابهی^۱ (pp. xxxix-xli) و حضرت عبدالبهاء (pp. xxxv-xxxvi) در همان سال ۱۸۹۰ م. است. البته براون بعدها در اروپا نیز به حضور حضرت عبدالبهاء رسیده است. براون در این مقدمه تصریح می‌نماید که توفیق آینده آئین بابی صرفاً در ید اقتدار جمال ابهی^۱ و اوصیاء و احباء آن حضرت است (p. xviii).

ترجمه تاریخ جناب میرزا حسین همدانی: قبلاً در باب این کتاب در بخش مربوط به منابع امری سخن گفته‌ایم.

کتاب نقطه الکاف: در خصوص این کتاب نیز قبلاً به تفصیل گفتگو داشته‌ایم. مواد لازمه برای مطالعه دیانت بابی (Materials for the Study of the Bábí Religion): در برخی از فصول یازده‌گانه، این کتاب پاره‌ای اطلاعات مهمه مندرج است. کتاب مذکور در سال ۱۹۱۸ م. در کیمبریج انگلستان به طبع رسیده است.

يك سال در میان ایرانیان (A Year Amongst The Persians): قبلاً به محتوای این کتاب اشاره کرده‌ایم. این کتاب نخستین بار در سال ۱۸۹۳ م. در لندن به طبع رسیده است.

سایر کتب براون: کتاب انقلاب ایران (The Persian Revolution) که در سال ۱۹۱۰ م. در کیمبریج انگلستان به طبع رسیده حاوی پاره‌ای اطلاعات مهمه مربوط به امر بدیع است.^{۴۶} در جلد چهارم کتاب تاریخ ادبی ایران (A Literary History of Persia) طبع سال ۱۹۲۴ م. در کیمبریج

نیز تحت عنوان تاریخ ادب ایران در عصر حاضر برخی نکات جالب و مهمّ توان یافت. این کتاب نیز به فارسی ترجمه شده و انتشار یافته است.

مقالات: چند ده مقاله از براون در خصوص امر بدیع در کتب دائرة المعارف و مجلات علمی و روزنامه‌های انگلیسی منتشر شده است. از جمله مهم‌ترین این آثار سه مقاله است که در نشریه انجمن سلطنتی آسیائی (انگلستان) (*Journal of the Royal Asiatic Society*) انتشار یافته و عبارتست از «بایان ایران» (*The Bábís of Persia*) در دو قسمت (جلد بیست و یکم، صص ۴۸۵-۵۲۶ و ۸۸۱-۱۰۰۹) و «برخی ملاحظات در خصوص متون بابی...» (*Some Remarks on the Bábí Texts...*) (جلد بیست و چهارم، صص ۲۵۹-۳۲۲). ترجمه، خلاصه، بیان فارسی نیز از کارهای ارزشمند پروفیسور براون است.^{۴۷}

۲- دیگر منابع انگلیسی: از جمله دیگر منابع انگلیسی برخی از گزارش‌های ژوستین شیل (Justin Sheil) (۱۸۰۳-۱۸۷۱ م.) وزیر مختار دولت انگلستان در طهران به وزارت امور خارجه آن کشور است. همسر شیل (درگذشته به سال ۱۸۶۹ م.) نیز با استفاده از گزارش‌های شوهرش و مشاهدات شخصی و اطلاعات مکتسبه به تألیف کتابی تحت عنوان *Glimpses of Life and Manners in Persia* (نظری اجمالی به زندگی و رفتار مردم ایران) تألیف نموده که در سال ۱۸۵۶ م. در لندن به طبع رسیده است. حضرت ولی امرالله در حواشی ترجمه، انگلیسی تاریخ نیل زرنندی (*The Dawn-Breakers*) چند بار به مندرجات کتاب مذکور اشاره و استناد فرموده‌اند. همچنین حضرت ولی امرالله در مقدمه و حواشی *The Dawn-Breakers* به محتویات کتاب لرد کرزن ایران و مسئله ایرانی (*Persia and the Persian Question*) به کرات اشاره و استناد فرموده‌اند. جرج ناثانیل کرزن (George Nathaniel Curzon) سیاستمدار برجسته، انگلیسی در یازدهم ژانویه، سال ۱۸۵۹ م. در کدلستون هال (Kedleston Hall) در دربی‌شایر (Derbyshire) انگلستان تولد یافت. تحصیلات عالی، خود را در همان کشور به پایان برد و به مقامات عالی، سیاسی نائل گشت. از جمله بیش از هفت سال (۱۸۹۸-۱۹۰۵ م.) نایب السلطنه، کشور هندوستان و چند سال وزیر امور خارجه، انگلستان بود. لرد کرزن در سال ۱۸۸۹ م. مدتی در ایران سفر کرده و کتاب ایران او حاصل مشاهدات و مطالعات نامبرده در این سفر است. کرزن در بیستم مارچ ۱۹۲۵ م. درگذشت.

کتاب ایران و مسئله ایرانی لرد کرزن حاوی مطالب بسیار مهمّی در خصوص اوضاع ایران در زمان ظهور، حوادث مربوط به دو عهد اعلیٰ و ابهی و عقاید امر بدیع است. با آنکه مدت سفرهای او در داخل ایران به سه ماه نیز نکشیده و لکن مشاهدات و مطالعات او در نهایت دقت انجام یافته است. از جمله توضیحات کوتاه او درباره آئین بابی از صحیح‌ترین تبیینات غربیان در خصوص شرع بیان است. این کتاب نخستین بار در دو مجلد در سال ۱۸۹۲ م. در لندن به طبع رسیده است.

از دیگر منابع انگلیسی دائرة المعارف ایرانیکا (*Encyclopædia Iranica*) را توان نام برد. این دائرة المعارف تحت نظر دکتر احسان یارشاطر و وسیله مؤسسه Routledge and Kegan Paul

Ltd در انگلستان (لندن) انتشار یافته است. نویسندگان مقالات مربوط به امر بدیع در دائرة المعارف مذکور برخی بهائی (و یا بهائی‌زاده) و گروهی نیز غیربهائی‌اند. در مجلداتی از دائرة المعارف که در فاصله سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۹۰ انتشار یافته‌اند به تفصیل در خصوص شرح حیات حضرت باب، حضرت بهاء‌الله، حضرت عبدالبهاء، حضرت ورقه، علیا و تنی چند از کبار احباب چون جناب ابوالفضائل سخن رفته است. همچنین شرحی در خصوص جوامع بهائی از جمله در ایران و عشق آباد، اماکن متبرکه، مدارس و آثار بهائی آمده است. نقد محتوای مقالات این دائرة المعارف راجع به امر بدیع در حوصله پژوهش حاضر نیست. اگرچه برخی از مقالات آن قابل استناد است و لکن نظریات مغرضانه، یکی دو تن از نویسندگان از محتوای آثارشان آشکار است.

دائرة المعارف‌های *Collier's* و *Chamber's, Americana, Britannica* نیز از منابع مهمه به زبان انگلیسی‌اند. از منابع دیگر انگلیسی که باید مورد توجه باشد دائرة المعارف دینی (*The Encyclopaedia of Religion*) است. این دائرة المعارف وسیله شرکت انتشارات مک میلان (*MacMillan Publishing Company*) در نیویورک انتشار یافته است. دو مقاله تحت عنوان "Bábís" (بابیان) و "Bahá'ís" (بهائیان) (در صص ۳۲-۳۴ و ۴۰-۴۲ جلد دوم) به قلم فاضل فقید بهائی جناب پروفیسور الساندر و بوزانی حاوی شرح حیات طلعات مقدسه، بهائی به واقع محققانه است.

شرح کوتاه (ولی در نهایت صحت) مربوط به حیات جناب طاهره ذیل «قرّة العین، طاهره» ("*Qurratal-Ayn Tahirih*") در جلد دوازدهم (صص ۱۷۹-۱۸۰) به قلم آناماری شیمل (*Annemarie Schimmel*) نیز نباید نادیده گرفته شود. کتاب *Resurrection and Renewal* تألیف دکتر عباس امانت نیز حاوی مطالب مهم و جالب فراوان است.^{۴۸} برخی از کتب تاریخ ادیان^{۴۹} و قاموس‌های دینی^{۵۰} نیز حاوی مطالب مهمه‌ای برای عموم خوانندگان انگلیسی‌زبان‌اند و غالب تألیفات اخیر از صحت بیشتری برخوردارند.

سوم- منابع فرانسه (فرانسوی)

۱- کتاب گوینو: نام این کتاب مذاهب و فلسفه در آسیای وسطی (*Les Religions et les Philosophies dans l'Asie Centrale*) است.^{۵۱} مؤلف کتاب ژوزف آرتور گوینو (*Joseph Arthur Gobineau*) نویسنده معروف و دیپلمات فرانسوی است. گوینو در چهاردهم جولای ۱۸۱۶ م. نزدیک پاریس به دنیا آمد. در آغاز جوانی به مشاغل اداری و روزنامه‌نگاری روی آورد و سپس به عنوان منشی در سفارتخانه‌های فرانسه در چند کشور اروپائی و نیز دبیر اول و شارژ دافر در سفارت فرانسه در ایران به کار اشتغال یافت. در سال‌های بعد وزیر مختار دولت فرانسه در ایران و چند کشور اروپائی و نیز برزیل در امریکای جنوبی گردید. در اواخر عمر مدتی در آلمان و ایتالیا بسر برد. وی در سیزدهم اکتبر ۱۸۸۲ م. در تورین (*Turin*) (در ایتالیا) درگذشت. شهرت گوینو در اروپا به دو جهت است. نخست احیاء و ارائه نظریات نژادپرستانه که متأسفانه از عوامل مؤثر در ترویج تعصبات نژادی در اروپای قرن بیستم و مظالم نظام‌های مردود خاص شد.

دوم تألیفات او در خصوص زندگی و نحوه تفکر مردم آسیا خصوصاً ایرانیان. مهم‌ترین آثار وی در این باب عبارتند از: کتاب مذاهب و فلسفه در آسیای وسطی، کتاب سه سال در ایران و نیز داستان «قنبر علی فرآش شیرازی».

گوینو دو بار در ایران مأموریت سیاسی داشته است. بار نخست در فاصله سال‌های ۱۸۵۵-۱۸۵۸ م. و بار دوم ۱۸۶۲-۱۸۶۳ م. در این مدت در جمیع شئون فرهنگی خصوصاً مذهبی مردم ایران مطالعه نموده است. نتیجه مطالعات او چند کتاب و مقاله، با ارزش است که به برخی از آنها اشاره کرده‌ایم.

اما کتاب عمده او در خصوص آئین بابی همین مذاهب و فلسفه در آسیای وسطی است که نخستین بار در پاریس به سال ۱۸۶۵ م. به طبع رسیده است. پروفیسور براون در مقدمه نقطه الکاف (که البته به انشاء محمد قزوینی است) در خصوص این کتاب می‌گوید:

«سایر اوراق کتاب را تصفح نمودم. دیدم يك فصل مشبّع مفصلی (۲۹۹ صفحه از ۵۳۴ صفحه، مجموع کتاب) در خصوص تاریخ بابیه و ظهور و انتشار طریقه، ایشان و سایر وقایع این طائفه الی سنه ۱۲۶۹ در آن کتاب مندرج است که الحق مصنف داد سخن‌پروری و بلاغت گستری در آن داده و به طوری این فصل دلکش و جذاب است و به درجه‌ای جالب دقت و ساحر عقل و هوش است و به نحوی تر و تازه و مملوّ از روح و حیات است که نادر است کسی این فصل را يك مرتبه بخواند و به کلی حالش منقلب و دگرگون نشود و به عقیده این بنده هیچ وقت هیچ کس در این موضوع بهتر از این بلکه نزدیک به این هم نتواند نوشت.» (صفحه و)

کتاب مذاهب و فلسفه در آسیای وسطی چند دهه پیش وسیله علی محمد فره‌وشی (مترجم همایون) ازلی به فارسی تلخیص و برگردان و سپس طبع گردیده است. گوینو در این کتاب (و در فصول نخست تا پنجم) به بررسی خصائص دینی و اخلاقی مردم آسیا، تأثیر آئین اسلام در ایران زمین (و کشورهای خاور میانه)، منابع مذاهب شیعی، تصوف و فلسفه در ایران (و برخی از کشورهای آسیائی)، نتایج تماس با افکار اروپائی در ایران (و برخی از دیگر کشورهای آسیائی) پرداخته و سپس به بیان تاریخ و عقاید آئین بابی (از فصل ششم تا دوازدهم) مبادرت نموده است. اگرچه در تاریخ‌نگاری مرتکب اشتباهات عجیبی شده و متأسفانه به اطلاعات ارائه شده وسیله مؤلف ناسخ التواریخ (و احتمالاً برخی از دیگر مورخان عصر قاجار چون هدایت) اعتماد کرده با وجود این در باب عقاید شرع بیان خصوصاً دو موضوع استمرار نزول وحی و حکم جهاد تدافعی نسبتاً به درستی اظهار عقیده نموده است. به هر حال نوشته او به عنوان یکی از نخستین منابع غیر امری تاریخ ظهور بدیع واجد پاره‌ای اطلاعات ارزشمند است.^{۵۲} در پیوست آخر کتاب ترجمه، بیان عربی به فرانسه آمده و گوینو در حواشی مقداری توضیحات افزوده است. کتاب گوینو در غرب با استقبال فراوان روبرو گشته و بر افکار اروپائیان تأثیر بسیار بخشیده است.

۲- تاریخ نیکالا: نام این کتاب سید علی محمد معروف به باب (Seyyèd Ali Mohammed)

le Bâb است. مؤلف کتاب ای. ال. ام. نیکلا (A.-L.-M. Nicolas) آن را به سال ۱۹۰۵ م. در پاریس به طبع رسانده است. مؤلف نامبرده هنگامی که پدرش (J. B. Nicolas) در ایران به خدمات کنسولی اشتغال داشت در بیست و هفتم مارچ ۱۸۶۴ م. در شهر رشت تولد یافت. لذا در همان آغاز کودکی با زبان فارسی آشنا شد. نیکلا در ابتدای جوانی به خدمت وزارت امور خارجه، فرانسه درآمد و به جز چند سالی که در مشاغل سیاسی در کشورهای دیگر خدمت کرد غالب ایام اشتغال سیاسی خود را (بیش از سی سال) در شهرهای مختلف ایران گذراند. نیکلا در سال ۱۹۳۹ م. در فرانسه درگذشت.

حاصل مطالعات وی در خصوص تاریخ حیات و تعالیم حضرت باب تألیف و ترجمه، چند کتاب و مقاله است که به مهم‌ترین آنها اشاره خواهیم کرد. نیکلا هنگام اقامت در قبرس (۱۸۹۴-۱۸۹۵ م.) و انجام خدمات کنسولی در آن سرزمین بارها با میرزا یحیی^۱ ازل ملاقات نموده و چنانکه خود می‌گوید از وی اطلاعاتی در خصوص تاریخ حیات و عقاید حضرت باب به دست آورده است.

این معاشرت مسلماً در کیفیت اعتقاد و اظهار نظر او تأثیر کرده و لذا در آثار خود از وصایت مجعوله، ازل طرفداری کرده است. از سوی دیگر هنگام اقامت در طهران و دیگر شهرهای ایران با برخی از بهائیان کاملاً مطلع تماس گرفته و اطلاعات جالبی کسب کرده است که به موقع ذکر آن خواهد شد. به هر حال نیکلا تصریح می‌کند که اصولاً نه داستان ازل به عنوان وصی^(۱؟) حضرت باب و نه مظهریت حضرت بهاء‌الله برای وی جالب است. آنچه او را جذب نموده تاریخ حیات و تعالیم خود حضرت باب است.^{۵۳} نیکلا سال‌ها نظر مساعدی نسبت به امر ابهی^۱ و بهائیان نداشته است. دلیل عمده این امر این تصور واهی بوده که حضرت عبدالبهاء در مقاله شخصی سیاح مقام حضرت باب را در حد یک مبشر ساده، ظهور حضرت بهاء‌الله توصیف کرده‌اند.^{۵۴} بدیهی است که این پندار باطل ناشی از عدم آگاهی نیکلا از حقیقت امر بوده است. زیرا در آثار جمال ابهی^۱ و از جمله رساله، شریفه، ایقان و در بیانات حضرت عبدالبهاء خصوصاً الواح مبارکه، وصایا مقام عظیم حضرت باب به عنوان مظهر وحدانیت الهی تصریح و تجلیل گشته است.

حضرت ولی‌امرالله در اواخر ایام حیات نیکلا ترجمه، انگلیسی تاریخ نبیل زرنندی (*The Dawn-Breakers*) و توقیع مبارک دور بهائی (*The Dispensation of Bahá'u'lláh*) را همراه پیامی مخصوص وسیله، خانم ادیث سندرسن (Edith Sanderson) برای وی ارسال فرمودند. نیکلا پس از مطالعه، دقیق پیام حضرت ولی‌امرالله و دو اثر مذکور و اطمینان از تجلیل وفیر واقعی از مقام عظیم مظهریت حضرت باب در آثار امر ابهی^۱ مراتب سرور و سپاسگزاری خود را بدین ترتیب برای خانم سندرسن نوشته است:

«نمی‌دانم چگونه از شما سپاسگزاری کرده و شرف قلبی خود را بیان نمایم... حال دیگر می‌توانم با آرامش بایرم. جلیل باد نام حضرت شوقی افندی که رنج و اضطراب مرا رفع کرده و به من آرامش عطاء فرموده‌اند. جلیل باد نام ایشان که به ارزش والای مقام حضرت باب معترفند. به حدی شادمانم که دست شما را به علت نوشتن آدرسم بر پاکتی که حاوی پیام حضرت شوقی

افندی است می‌بوسم. خانم عزیز، بسیار سپاسگزارم. از اعماق قلب سپاسگزارم.»^{۵۵}

آثار نیکلا (در زمینه امر بدیع) علاوه بر کتاب سید علی محمد معروف به باب عبارتند از: ترجمه کتاب دلائل سبعة به فرانسه (مطبوع به سال ۱۹۰۲ م. در پاریس)، ترجمه کتاب بیان عربی به فرانسه (مطبوع به سال ۱۹۰۵ م. در پاریس)، ترجمه کتاب بیان فارسی در چهار مجلد (مطبوع در فاصله سالهای ۱۹۱۱-۱۹۱۴ م. در پاریس) و چند مقاله و ترجمه کوتاه از مقالات دیگران به زبان فرانسه. ظاهراً نیکلا کتاب بزرگی نیز مجدداً در خصوص حضرت باب تألیف نموده که توفیق طبع آن را نیافته است.^{۵۶}

تاریخ سید علی محمد معروف به باب مهم‌ترین اثر تاریخی مطبوع نیکلا در خصوص امر بدیع است. این کتاب همانطور که قبلاً مذکور گردید نخستین بار در سال ۱۹۰۵ م. در پاریس در بیش از چهارصد و پنجاه صفحه به طبع رسیده است. مؤلف وعده نشر جلد دوم نیز داده است. ولیکن ظاهراً مرادش ترجمه بیان فارسی بوده که بعداً در چهار جلد انتشار یافته است. تاریخ نیکلا حاوی شرح حیات حضرت باب و وقایع عهد اعلیٰ تا حادثه رمی شاه است. کتاب در فصل دوازدهم با بیان شهادت جناب طاهره پایان می‌یابد.^{۵۷} ترجمه فارسی کتاب در ۴۸۷ صفحه پایان یافته و علاوه بر مقدمه، مترجم و چهار صفحه که او پیوست کتاب کرده چهل و هشت صفحه، متمم کتاب نیز در آخر متن آمده است.

نیکلا چون گوینو در تاریخ‌نگاری اشتباهات عجیبی دارد. با وجود این تاریخ او در شرح وقایع عهد اعلیٰ بیشتر قابل استناد است. از مزایای تاریخ نیکلا یکی اینست که مؤلف در شرح وقایع به کرات به آثار حضرت باب مراجعه نموده و اگرچه گاه استنباط او درست به نظر نمی‌رسد و یا به نسخ معتبر دست نیافته است ولیکن به طور کلی اطلاعات صحیح و مفیدی نیز ارائه می‌نماید. نیکلا منابع مطالعه و کسب اطلاعات خود را در نفس تاریخ تصریح کرده است.^{۵۸}

کتب غیر امری چون *تواریخ*، *روضه الصفاى ناصرى*، *فارسانامه ناصرى*، *مرآت البلدان ناصرى*، *حقایق الاخبار ناصرى*، *متنبین*، *نقطه الکاف* و آثار براون و گوینو و از آثار امری توقعات حضرت باب (از جمله بیان فارسی، *توقیع الفهرست و صحیفه بین الحرمین*)، آثار حضرت عبدالبهاء چون مقاله شخصی سیاح و از مؤلفات بهائی تاریخ جدید میرزا حسین همدانی و کتاب فرائد ابوالفضائل مورد استفاده او بوده است. نیکلا اطلاعات شفاهی خود را در طول دو سال اقامت در قبرس از یحیی ازل و طیّ سالها در ایران از احبّاء خصوصاً چهار تن حضرات ایادی امرالله جناب ابن اصدق، جناب ابن ابهر، جناب میرزا حسن ادیب و جناب ملا علی اکبر شه میرزادی کسب کرده است.

۳- کتاب جاودانه رنان: نام این کتاب *Les Apôtres* (حواریون) است. ژوزف ارنست رنان (Joseph Ernest Renan) فیلسوف، مورخ، خاورشناس و زبان‌شناس فرانسوی در سال ۱۸۲۳ م. متولد گشت. سالها به تحصیل معارف دینی اشتغال داشت. زبان عبری آموخت. در ادب و زبان‌شناسی و باستان‌شناسی مطالعات عمیقی نمود. در سال ۱۸۷۸ م. به عضویت آکادمی فرانسه و

در سال ۱۸۸۴ م. به ریاست کلژ دو فرانس منصوب گشت. رنان در سال ۱۸۹۲ م. درگذشت. وی در زمینه‌های مختلف تألیفات متعدده دارد. کتاب *حواریون* او به انگلیسی نیز ترجمه شده و در سال ۱۸۶۹ م. در لندن انتشار یافته است. گواهی معروف رنان در باب عظمت بی‌نظیر شهادت بابیان در واقعه، رمی شاه در این کتاب آمده است.

۴- دیگر منابع فرانسوی: کتب متعدده، تاریخ ادیان و دائرة المعارف و قاموس‌های دینی به زبان فرانسه به بیان تاریخ امر مبارک پرداخته‌اند و لکن محتوای غالب آنها به صحت محتوای کتب مشابه به زبان انگلیسی نیست. برای مثال فرهنگ معروف *لاروس (Larousse)* تولد حضرت باب را در سال ۱۸۲۵ م. (بجای ۱۸۱۹ م.)^{۵۹} و *La Grande Encyclopedie* تولد مبارک را در سال ۱۸۱۲ م. ضبط کرده است.^{۶۰}

چهارم- منابع روسی

۱- نوشته، کاظم بیگ: مراد نوشته، او در *ژورنال آسیائی پاریس* در سال ۱۸۶۶ م. در خصوص حضرت باب است. میرزا الکساندر کاظم بیگ (Mírzá Aleksandr Kazem-Beg) روسی در بیست و دوم جولای ۱۸۰۲ م. در رشت به دنیا آمد. در جوانی از آئین اسلام برگشت و به مسیحیت روی آورد. سال‌ها در روسیه و در چند مدرسه عالی و دانشگاه به تدریس زبان‌های شرقی اشتغال داشت. چند سال استاد ادب فارسی در دانشگاه سن پترزبورگ (St. Petersburg) بود و سرانجام به ریاست مدرسه، زبان‌های شرقی منصوب شد. وی در اوائل دهه ۱۸۷۰ م. درگذشت. محتوای نوشته، کاظم بیگ "Bab et les Babis,..." («باب و بابیان...») که در سال ۱۸۶۶ م. در *ژورنال آسیائی (مطبوع در پاریس)* و در شماره‌های ۲۶ و ۲۷ در جلد هفتم و شماره‌های ۲۹، ۳۰ و ۳۱ در جلد هشتم آمده است تقریباً مشابه متن کتابی است که به قلم نامبرده در سال ۱۸۶۵ م. به روسی تحت عنوان *Bab i Babidui...* انتشار یافته است.^{۶۱}

نوشته، کاظم بیگ اگرچه دارای اشتباهات متعدده است و لکن از این جهت حائز اهمیت است که زمان تألیفش به حوادث عهد اعلیٰ نزدیک است. وی در حقیقت از نخستین نفوسی است که در خصوص آئین بابی تحقیق و تألیف کرده‌اند. به هر حال نوشته، نامبرده حاوی نکات جالبی است که از اطلاعات دو شاهد عینی برخی از حوادث مربوط به عهد اعلیٰ اخذ گردیده است. نخست سوروگین (Sevrugin) مترجم سفارت روس در طهران و دوم ماشنین (Mochenin) مترجم قنصلگری روس در تبریز.

۲- گزارش‌های دالگوروکی سفیر روسیه: شاهزاده (کینیاژ) دیمیتری ایوانویچ دالگوروکی (Dimitri Ivanovich Dolgorouki) در سال‌های آخر قرن هجدهم میلادی در یک خاندان مقرب امپراطور روسیه به دنیا آمد. در جوانی وارد خدمات دولتی شد و مأموریت‌های مختلف سیاسی یافت. در سال ۱۲۶۱ ه. ق. (۱۸۴۵ م.) به سمت وزیر مختار روسیه در طهران منصوب و در آغاز سال ۱۸۴۶ م. به آن شهر وارد شد و تا اوائل سال ۱۸۵۴ م. در آن سمت باقی بود. پس از مراجعت به کشور خویش به فرمان تزار به عضویت مجلس سنای روسیه منصوب گشت. وی در

سال ۱۸۶۷ م. درگذشت. اگرچه محتوای گزارش‌های دالگوروکی به وزارت امور خارجه، روسیه غالباً ناشی از عدم اطلاع و تحقیق کافی وی و پیروی از شایعات درباری بوده با وجود این حاوی نکات ظریفی در ارتباط با حوادث عهد اعلیٰ است. تلاش سفیر روسیه به منظور اثبات بی‌گناهی حضرت بهاء‌الله در حادثه، رمی شاه و استخلاص آن حضرت از سجن طهران موضوعی است که از جمله از قلم ابهی در لوح تزار روسیه نازل گردیده است. حضرت ولی‌امرالله نیز در کتاب *God Passes By* (ص ۱۰۴) بدین نکته اشاره فرموده‌اند.

۳- دیگر منابع روسی: بارون ویکتور رومانویچ روزن (Victor Romanovich Rosen) (۱۸۴۹-۱۹۰۸ م.) استاد مطالعات شرقی در دانشگاه سن پترزبورگ و عضو فرهنگستان علوم در روسیه از خاورشناسانی است که به جمع‌آوری آثار حضرت باب و جمال ابهی پرداخته و مقالاتی از او در خصوص امر بدیع در نشریات روسیه طبع گردیده است.

در اینجا باید از خاورشناس دیگر روسی به نام الکساندر تومانسکی (Aleksandr Tuman-ski) (متوفی به سال ۱۹۲۰ م.) یاد کرد که در زمینه امر بهائی آثاری تألیف و ترجمه کرده است. ایزابلا گریونسکایا (Isabella Grinevskaya) (درگذشته به سال ۱۹۴۴ م.) نویسنده و شاعره (آلمانی الاصل) ساکن سن پترزبورگ به خاطر آثارش در باب امر مبارک خصوصاً نمایشنامه، منظوم در خصوص حضرت باب و جناب طاهره و تاریخ حیات حضرت بهاء‌الله باید در اینجا یاد شود. اگرچه محتوای نمایشنامه، شعری مذکور فاقد ارزش تاریخننگاری است ولیکن در اشتها نام حضرت باب و جناب طاهره و جلب نظر برخی از رجال برجسته، اروپائی نقش بسیار مهمی ایفاء کرده است.

همچنین آثار باکولین (Bakulin) مترجم و دبیر قنصلگری روس در استرآباد و نیز پروفیسور ای. ای. برتلس (E.E. Bertels) از متأخران نباید نادیده گرفته شود.^{۶۲}

پنجم- منابع آلمانی و اتریشی

کتاب *ایران: سرزمین و ساکنان آن* (Persien: Das Land und seine Bewohner) تألیف دکتر ژاکوب پولاک (Jakob Polak) پزشک یهودی اتریشی در اینجا باید نام برده شود. این کتاب نخستین بار در سال ۱۸۶۵ م. در لایپزیگ (Leipzig) انتشار یافته است. دکتر پولاک مدتی مدرس دارالفنون و چند سال پزشک مخصوص ناصرالدین شاه بوده است. مؤلف کتاب در احیان واقعه، رمی شاه در طهران بوده و به برخی از مشاهدات خود و از جمله شهادت جناب طاهره در متن کتاب اشاره نموده و از آن نابغه دوران تجلیل کرده است.

خاتمه

محتوای آنچه تا کنون معروض گردیده اصولاً ارتباط با تاریخ حیات طلعات مقدسه بهائیه و وقایع امریه در بخشی از آسیا خصوصاً سرزمین مقدس ایران دارد. حال آنکه بیش از یکصد سال است که امرالله در مغرب زمین منتشر شده و به تدریج در سراسر عالم استقرار یافته و خواهد

یافت. در پژوهش حاضر حتی امکان اشاره به منابع تاریخ امر در همه نقاط مختلف جهان نیست. لذا تنها به بیان نام اهم منابع امری تاریخ امر در نیم‌گروه غربی می‌پردازد و تحقیق تفصیلی در این باب را به پژوهشگران و تاریخ‌نگاران آتی احاله می‌نماید. از اهم منابع تاریخ نفوذ امر در مغرب زمین کتاب *God Passes By* اثر حضرت ولی امرالله (خصوصاً صص ۲۵۲-۲۶۲، ۲۷۹-۲۹۴، ۳۵۳-۳۴۴ و ۳۸۲-۴۰۱)، قسمت دوم از جلد هشتم تاریخ ظهور الحق تألیف جناب فاضل مازندرانی (صص ۱۱۷۷-۱۲۱۴)، «جامعه بهائی امریکا» ("The American Bahá'í Community") (ty) به قلم پیتر اسمیت (Peter Smith)،^{۶۳} «کنوشا: تاریخ جامعه اولیّه بهائی در امریکا» ("Kenosha 1893-1912: History of an Early Bahá'í Community in the United States") به قلم ویلیام کالینز (William Collins)،^{۶۴} «ابراهیم جرج خیرالله و امر بهائی در امریکا» ("Ibrahim George Kheiralla and the Bahá'í Faith in America") به قلم ریچارد هالینگر (Richard Hollinger)،^{۶۵} «نشریه حقیقت» ("Reality Magazine") به قلم پیتر اسمیت،^{۶۶} امر بهائی در امریکا (*The Bahá'í Faith in America*) به قلم رابرت استاکمن (Robert Stockman) را توان نام برد.^{۶۷}

یادداشت‌ها

- ۱- عنوان کامل کتاب چنین است: مقاله شخصی سیاح که در تفصیل قضیه باب نوشته است.
- ۲- عنوان کامل کتاب چنین است: تذکرة الوفاء فی ترجمه حیاة قدامه الاحیاء.
- ۳- به نظر نگارنده این سطور محتوای تاریخ نبیل زرنندی حتی در بخش مربوط به عهد اعلیٰ بر محور وجود مبارک جمال ابهی متمرکز است.
- ۴- برای آگاهی بیشتر از تاریخ حیات نبیل زرنندی و میزان سندیت تاریخ جاودانه، او از جمله رجوع فرمایند به: الف- تذکرة الوفاء، حیف: مطبعه عباسیه، ۱۹۲۴ م.، صص ۵۷-۶۲.
- ب- *God Passes By*, Wilmette, Bahá'í Publishing Trust, 1970, pp. 3, 9, 105, 153, 160, 169, 176, 178, 188, 199, 222.
- پ- *The Dawn-Breakers, Nabil's Narrative of the Early Days of the Bahá'í Revelation*, translated and edited by Shoghi Effendi, Wilmette, Bahá'í Publishing Trust, 1974, pp. xxiii, xxiv, xxxvi, xxxvii, lxiii, 168, 434-45, 459, 504-5, 581-82, 587, 591-92.
- ت- کتاب حضرت باب تألیف نگارنده سطور، مؤسسه معارف بهائی، دانداس، ۱۵۲ ب.، صص ۳۵-۴۳.
- ث- پژوهش نگارنده تحت عنوان «نبیل اعظم و تاریخ جاودانه او» مندرج در شماره‌های سال‌های ۱۴۶-۱۴۷ ب. نشریه بانگ سروش طبع پاکستان.
- 5- Balyuzi, H. M., *Edward Granville Browne and the Bahá'í Faith*, Oxford, George Ronald, 1975, p. 69.
- ۶- اشراق خاوری، عبدالحمید، رحیق مختوم، ج ۱، طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۰ ب.، ص ۵۵۲.
- ۷- مأخذ بالا، صص ۵۴۹-۵۵۲.
- 8- Browne, E. G. (Ed.), *Kitáb-i Nuqatatu'l-Káf Being the Earliest History of the Bábís Compiled by Hájjí Mírzá Jání of Káshán Between the Years A.D. 1850 and 1852*, Luzac & Co., 1910, p. 244.

- ۹- برای اطلاع از احوال و آثار جناب ابوالفضائل رجوع فرمایند به:
الف- مهرباخانی، روح‌الله، زندگانی جناب میرزا ابوالفضل گلپایگانی، طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۱ ب..
- ب- زندگی‌نامه، جناب ابوالفضائل به قلم جناب میرزا حیدر علی اصفهانی (خطی).
- پ- سلیمانی اردکانی، عزیزالله، مصابیح هدایت، ج ۲، طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۱ ب..، صص ۲۳۵-۲۸۲.
- ت- نشریه پیام بهائی (طبع فرانسه)، شماره ۱۲۲ (ژانویه ۱۹۹۰).
- ۱۰- نقل از لوح مبارک به اعزاز همسر جناب فاضل مندرج در شرح حیات جناب فاضل مازندرانی به قلم نگارنده، سطور (سالنامه جوانان بهائی ایران، ۱۱۶-۱۱۷ ب..، ص ۲۰۸).
- ۱۱- رجوع فرمایند از جمله به لوح مبارک حضرت عبدالیهاء به اعزاز ایادی امرالله جناب روی ویلهلم (Roy Wilhelm) مندرج در نشریه نجم باختر (*Star of the West*)، ج ۱۱، ۱۹۱۹-۱۹۲۱ م..، صص ۲۵۷.
- ۱۲- برای اطلاع بیشتر از شرح حیات و آثار جناب فاضل مازندرانی رجوع فرمایند به:
الف- ظهور الحقیق، ج ۸، قسمت دوم، طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۲ ب..، صص ۸۲۵-۸۸۱.
ب- سلیمانی اردکانی، عزیزالله، مصابیح هدایت، ج ۷، طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۹ ب..، صص ۶۹-۱۴۱.
- پ- محمدحسینی، نصرت‌الله، «جناب فاضل مازندرانی»، سالنامه جوانان بهائی ایران، ۱۱۶-۱۱۷ ب..، صص ۲۰۱-۲۱۰.
- ت- *The Bahá'í World*، ج ۱۴، ۱۹۶۳-۱۹۶۸ م..، صص ۳۳۴-۳۳۶.
- ۱۳- عین عبارات ابن کربلائی چنین است: «أما بعد فيقول السّاکن فی الظّل الظلیل والفائز عن عفوربه المقتیل الشّارب من رشحات السّید النّبیل باب الله المقدم القتیل بن الکربلائی...» (ظهور الحقیق، ج ۳، ص ۵۰۲).
- ۱۴- مصابیح هدایت، ج ۹، طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۲ ب..، ص ۸.
- ۱۵- برای آگاهی از احوال و آثار جناب اشراق خاوری از جمله رجوع فرمایند به:
الف- مصابیح هدایت، ج ۹، صص ۸-۱۲۲.
ب- *The Bahá'í World*، ج ۱۵، ص ۵۱۸.
- پ- نشریه پیام بهائی، شماره ۱۵۸، ژانویه ۱۹۹۳.
- ۱۶- زندگی‌نامه، جناب محمد علی فیضی تا کنون انتشار نیافته است و آنچه مذکور افتاد خلاصه‌ای است از شرحی که نامبرده چند سال پیش از صعود اختصاصاً برای نگارنده در کشور کانادا بیان فرموده است.
- ۱۷- برای اطلاع بیشتر از احوال و آثار جناب ملک خسروی رجوع فرمایند به:
الف- اقلیم نور، طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۱۸ ب..، مقدمه.
ب- نوشته نگارنده تحت عنوان «سخنی با محمد علی ملک خسروی» مندرج در نشریه آهنگ بدیع، سال بیست و ششم، ۱۲۸ ب..، شماره نخست، صص ۲۴-۲۶.
- ۱۸- برای اطلاع بیشتر از شرح حیات جناب بالیوزی از جمله رجوع فرمایند به: *The Bahá'í World*، ج ۱۸، صص ۶۳۵-۶۵۰.
- ۱۹- مصابیح هدایت، ج ۷، ص ۳.
- ۲۰- برای اطلاع از فهرست آثار جناب سمندر از جمله رجوع فرمایند به مأخذ بالا، صص ۵۴-۶۷.
- ۲۱- تاریخ سمندر و ملحقات در سال ۱۳۱ ب. در طهران به طبع رسیده است. این مجموعه شامل بخش نخست تاریخ سمندر (صص ۱۳-۱۵۰) و بخش دوم (صص ۱۵۱-۳۷۰) و صفحاتی از تاریخ ملاً جعفر قزوینی، حاج نصیر قزوینی و تاریخ میرزا عبدالحسین سمندری است.

۲۲- فاضل مازندرانی، اسدالله، ظهور الحق، ج ۸، قسمت اول، طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۱ ب.، ص ۶۱.

۲۳- شیخ محمد تقی هشترودی از شاگردان جنابان شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی و از علماء برجسته شیخی بود. هشترودی در آغاز ظهور مؤمن گشت. از وی تا سال ۱۲۷۰ ه. ق. (۱۸۵۳ م.) اطلاع در دست است و پس از آن مفقود الاثر گردیده است.

۲۴- المآثر و الآثار، طهران، ۱۳۰۶ ه. ق.، ص ۱۸۷.

۲۵- از جمله رجوع فرمایند به ص ۴۱ از مجلد سوم و صص ۳۳-۳۴، جلد چهارم.

۲۶- اقتدارات، [هند]، ص ۱۶.

۲۷- اشراق‌خاوری، عبدالحمید، محاضرات، ج ۱، طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۰ ب.، ص ۵.

۲۸- معلم حبیب‌آبادی، محمد علی، مکارم الآثار، ج ۲، اصفهان: چاپخانه نشاط، ۱۳۶۲ ه. ش.، ص ۵۸۹.

۲۹- عنوان تفصیلی کتاب میرخواند روضة الصفاء فی سیرة الامناء و الملوك و الخلفاء است.

۳۰- رضا قلی خان از احفاد کمال خجندی شاعر عارف شهیر قرن هشتم هجری است.

۳۱- مرآت البلدان ناصری، ج ۱، طهران: دار الطباعة، دولتی، ۱۲۹۴ ه. ق.، ص ۱۰.

۳۲- عنوان کامل کتاب مفتاح باب الابواب او تاریخ البابیة است.

۳۳- نیکلای فرانسوی در تاریخ خود کتاب زعیم الدوله را به نهایت درجه بغض‌آمیز می‌شمارد. رجوع فرمایند به ترجمه فارسی تاریخ نیکلا وسیله، علی محمد فره‌وشی (ص ۲۰ از متمم، زیرنویس شماره ۴).

۳۴- معلم حبیب‌آبادی، محمد علی، مکارم الآثار، ج ۴، اصفهان: چاپخانه نشاط، ۱۳۵۲ ه. ش.، صص ۱۱۳۹-۱۱۴۰.

۳۵- از متن اصلی کتاب تاریخ حاج میرزا احمد تنها بخش مربوط به میرزا تقی خان امیرکبیر وسیله آقا میرزا محمد خان بهادر انتشار یافته است.

36- Khan Bahadur, Agha Mirza Muhammad, "Some New Notes on Babiism," *Journal of the Royal Asiatic Society*, July 1927, pp. 443-69 (Extracts Translated into English from the Unpublished History of Mirza Ahmad ibn Abul-Hasan Sharif Shirazi Divan Bagi).

۳۷- عنوان کامل این کتاب روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات است.

۳۸- میرزا محمد باقر در صفحه ۲۵ جلد نخست از روضات الجنات (طبع سال ۱۳۰۷ ه. ق.) در خصوص جناب شیخ احمد احسائی چنین می‌نویسد:

«من جملة حاملی اسرار امیر المؤمنین ترجمان الحكماء المتألهین و لسان العرفاء و المتكلمین غرة الدهر و فیلسوف العصر العالم باسرار المبانی و المعانی شیخنا احمد بن شیخ زین بن شیخ ابراهیم الاحسائی البحرانی لم یعهد فی هذه الاواخر مثله فی المعرفة و الفهم و المکرمة و الحزم و جودة السلیقة و حسن الطریقة و صفاء الحقیقة و كثرة المعنویة و العلم بالعربیة و الاخلاق السنیة و الشیم المرضیة و الحكم العلمیة و حسن التعبير و الفصاحة و لطف التقرير و الملاحه و خلوص المحبة و الوداد لاهل بیت الرسول الامجاد.»

۳۹- روزنامه وقایع اتفاقیه بعدها با نام‌های روزنامه دولت علیه ایران، روزنامه دولتی و روزنامه ایران به انتشار خود ادامه داد.

40- *A Traveller's Narrative*, vol. 2, Cambridge: Cambridge University Press, 1891, Introduction, pp. x-xi.

۴۱- این کتاب وسیله ذبیح‌الله منصوری به فارسی ترجمه شده و انتشار یافته است.

۴۲- همانطور که قبلاً بیان گردیده مقدمه، نقطه الکاف به امضاء براون و در حقیقت به انشاء محمد قزوینی است.

43- Balyuzi, H. M., *Edward Granville Browne and the Bahá'í Faith*, pp. 121-22.

۴۴- عنوان تفصیلی کتاب چنین است:

A Traveller's Narrative written to illustrate the Episode of the Báb.

۴۵- ترجمه به مضمون از نگارنده سطور است.

۴۶- این کتاب به فارسی نیز ترجمه و طبع گردیده است.

۴۷- عنوان کامل خلاصه، بیان چنین است:

"An Abstract and Index of the Persian Bayán".

48- Amanat, A., *Resurrection and Renewal: The Making of the Babi Movement in Iran, 1844-1850*, New York: Cornell University Press, 1989.

49- *Ferdmans Handbook to the World's Religions*.

۵۰- از جمله رجوع فرمایند به: *The Penguin Dictionary of Religions* ذیل Bábís و نیز Bahá'ís.

۵۱- مترجم فارسی تاریخ گوینو (علی محمد فره‌وشی، مترجم همایون) لفظ «مذاهب» را بجای Religions (ادیان) و واژه مفرد فلسفه را در عنوان کتاب به کار برده است. لذا ما نیز برای پرهیز از اغتشاش ذهنی خوانندگان عزیز عیناً عنوان مذکور (مذاهب و فلسفه در آسیای وسطی) را اتخاذ نموده‌ایم.

۵۲- گوینو شاید نخستین مورخ اروپائی است که از حضرت بهاء‌الله تحت عنوان «جناب بهاء» (ص ۲۳۴ ترجمه، فارسی تاریخ او) نام برده است. متأسفانه وی حضرت بهاء‌الله را به اشتباه از حروف حی خوانده است.

۵۳- مستند به نامه مورخ مارچ ۱۹۰۲ م. نیکلا خطاب به پروفیسور براون مندرج در کتاب مواد لازمه برای مطالعه، دیانت بابی (*Materials for the Study of the Bábí Religion*)، صص ۲۷۵-۲۷۶.

۵۴- ترجمه فارسی تاریخ نیکلا، سید علی محمد باب، متمم، ص ۲۰.

۵۵- *The Bahá'í World*، ج ۸، ص ۶۲۵ (ترجمه از نگارنده سطور است).

۵۶- ترجمه فارسی تاریخ نیکلا، پیوست مترجم، ص ۳.

۵۷- پس از پایان فصل دوازدهم اصل چند فقره از بیانات حضرت باب که در متن کتاب به آنها استناد شده نقل گردیده است.

۵۸- ترجمه فارسی تاریخ نیکلا، صص ۴۲-۴۴.

59- Larousse, Pierre, *Grand Dictionnaire*, 1982, vol. 2, p. 5.

60- *La Grande Encyclopedie*, vol. 4, 1971, p. 1026.

61- Momen, M., *The Bábí and Bahá'í Religions, 1844-1944: Some Contemporary Western Accounts*, pp. 26-27, 507-508, 537.

۶۲- مجموعه‌ای از آثار برتلس طی سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۶۵ م. در چهار مجلد (و در ۲۱۳۲ صفحه) در مسکو به طبع رسیده است.

63- Momen, M. (Ed.), *Studies in Bábí and Bahá'í History*, vol. 1, Los Angeles: Kalimát Press, 1982, pp. 85-223.

۶۴- مأخذ بالا، صص ۲۲۵-۵۳.

65- Cole, Juan R., M. Momen (Eds.), *Studies in Bábí and Bahá'í History*, vol. 2, Los Angeles: Kalimát Press, 1984, pp. 95-133.

۶۶- مأخذ بالا، صص ۱۳۵-۱۵۵.

67- Stockman, R. H., *The Bahá'í Faith in America*, vol. 1, Wilmette: Bahá'í Publishing Trust, 1985; vol. 2, Oxford: George Ronald, 1995.